

تأثیر عوامل اقتصادی بر سطح اعتماد

سیاسی

محمد خانباشی*

چکیده

اعتماد، پایه بسیاری از تعاملات و کنش‌های روزمره در جوامع انسانی چه در زمینه ارتباطات میان‌فردی و چه در حوزه ارتباطات اجتماعی بین گروه‌هاست. در بیشتر جوامع به علت مجموعه‌ای از عوامل مانند از خود بیگانگی، فقدان سرمایه اجتماعی، وجود رسانه‌های انتقادی و یا میزان پاسخگویی نهادها و سازمان‌های عمومی، میزان اعتماد به دولت و سازمان‌های تابعه کاهش یافته است. در عین حال بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی عوامل استراتژیک محیطی مانند وضعیت عوامل اقتصادی در یک جامعه احتمالاً این حالت را تشدید یا تضعیف می‌نماید و یا به گونه‌ای بر آن مؤثر است. در این مقاله پس از مروری اجمالی بر مبانی نظری اعتماد سیاسی، تأثیر عامل اقتصاد و مؤلفه‌های آن در نوسانات اعتماد سیاسی ارزیابی و آزمون می‌شود. نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر گویای آن است که وضع عوامل و متغیرهای اقتصادی یک جامعه کمابیش بر سطح اعتماد سیاسی در آن جامعه مؤثرند. یافته‌های مقاله همچنین نشانگر آن است که میزان ثبات اقتصادی، وضع شاخص‌های مهم اقتصادی و فساد مالی (اقتصادی) در جامعه به ترتیب بیشترین تأثیر را بر اعتماد سیاسی خواهند داشت.

واژگان کلیدی

اعتماد، اعتماد سیاسی، عوامل اقتصادی، عوامل راهبردی محیطی

Email: hamed_khanbashi@yahoo.com

* دکترای مدیریت دولتی و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۱۶

تاریخ ارسال: ۸۹/۰۸/۱۵

فصلنامه راهبرد / سال بیستم / شماره ۶۱ / زمستان ۱۳۹۰ / صص ۲۱۵-۲۷۷

مقدمه

اعتماد عمومی نسبت به دولت برای مدیران، کارکنان و کارگزاران هر نظام سیاسی اهمیت دارد، زیرا در پشتیبانی از تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و همین‌طور همراهی و همکاری اثربخش شهروندان نقش محوری ایفا می‌کند (Gordon, 2000, p.296). پیوند متولیان امور در بخش عمومی از یک سو و شهروندان از سوی دیگر بر میزان موفقیت و پیشرفت جامعه می‌افزاید و بی‌اعتمادی و جدایی مردم از حکومت می‌تواند به عنوان آفتی نابودکننده سیاستگذاران و مدیران را با شکست و ناکامی روبه‌رو سازد. از دیدگاه مدیریتی علت بی‌اعتمادی به حکومت‌ها نوع عملکرد دولت است. از دیدگاه مدیریت دولتی حجم کاری زیاد و حوزه فعالیت گسترده دولت یکی از علل بی‌اعتمادی به آن است، زیرا حجم مسئولیت‌های دولت با توجه به بودجه محدود، آنقدر وسیع است که دولت از توان لازم برای انجام همه آنها برخوردار نیست. همین امر موجب کاهش یا سلب اعتماد شهروندان می‌شود. این امر همان چیزی است که جامعه‌شناسان از آن تحت عنوان کمبود سرمایه اجتماعی و اقتصاددانان تحت عنوان بی‌اعتمادی اصیل و وکیل یاد می‌کنند

(دانایی فرد، ۱۳۸۱، صص ۴۱-۵۷). بنابراین مسئله اعتماد به نظام مدیریت دولتی و یا نظم سیاسی و حکومتی را می‌توان از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اداری، فرهنگی و... بررسی نمود. راهکارهای ارائه‌شده برای تقویت اعتماد عمومی نیز می‌توانند به نوبه خود متفاوت باشند، مانند افزایش کیفیت خدمات، افزایش پاسخگویی، کارایی، مدیریت و جوابگویی به انتظارات، ایجاد و ارتقاء سرمایه اجتماعی و مشارکت. همچنین عملکرد کارکنان در سطح خرد که در پی ارائه خدمات عمومی هستند، شکل‌دهنده بخش عظیمی از عملکرد دولت است. پس افزایش عملکرد نظام خدمات عمومی در جلب اعتماد به نظام سیاسی و در نتیجه حکومت مؤثر خواهد بود. البته پژوهش‌ها حاکی از آن است که بخش عظیمی از علل بی‌اعتمادی به عدم پاسخگویی و بی‌کفایتی دولت‌ها مربوط است. با توجه به اینکه در تحقیقات علمی باید مهم‌ترین عوامل مؤثر بر یک متغیر شناسایی شوند، در این پژوهش تلاش می‌شود عوامل اقتصادی مؤثر بر اعتماد عمومی به دولت، شناسایی، استخراج و اولویت‌بندی شوند و میزان و نحوه تأثیر هر یک از آنها بر سطح اعتماد مردم به دولت مورد سنجش و ارزیابی

این در حالی است که تمرکز جامعه‌شناسان روی روابط بین افراد و سیستم‌ها می‌باشد (Luhmann, 1979).

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سرعت می‌بخشد. در فضای مبتنی بر اعتماد ابزارهایی چون زور و اجبار به تضمین دادوستدها، کارآیی خود را از دست می‌دهند و در عوض قصد افراد برای بازپرداخت‌ها و اعتقاد به درستکاری افزایش می‌یابد. اعتماد، کار بازار را رونق می‌بخشد، تمایل افراد را به تعامل و همکاری با گروه‌ها افزایش می‌دهد و شبکه‌ای پررونق از تجمع‌های داوطلبانه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند. اعتماد، رضایت را جانشین اجبار می‌کند و این یکی از اهداف مهمی است که نخبگان و اداره‌کنندگان جامعه در صدد دستیابی به آن هستند (گلایبی، ۱۳۸۳). به طور کلی اعتماد به عنوان بخشی از واکنش فرد در قبال دیگران و به عنوان بخشی از برهم‌کنش بین کارگزاران اجتماعی می‌باشد. اعتماد یک احتمال عقلانی است که بر اساس آن یک کنشگر در رابطه با دیگر گروه‌ها و کارگزاران رفتار آنها را

قرار گیرد. طبعاً این امر مبنایی برای مقایسه نحوه و میزان تأثیر این عوامل فراهم خواهد ساخت.

۱- مفهوم اعتماد

به عقیده وین استوک (۱۹۹۹)، اعتماد^۱ هم از لحاظ باطن قضیه و هم از لحاظ ابزاری ارزشمند است. او استدلال می‌کند که صرف اینکه اشخاص در جامعه در کنار هم زندگی می‌کنند، به یکدیگر احترام می‌گذارند و شاید رفتاری خیرخواهانه یا حداقل غیر بدخواهانه نسبت به یکدیگر دارند، ناشی از یک اعتماد سطحی بین افراد است. البته اهمیت پایه‌ای اعتماد، فراتر از این دلایل اخلاقی است. ارزش کارکردی و سودمند آن در جلوگیری از به خطر افتادن روابط اجتماعی ظاهر می‌شود. علاوه بر این، شرط لازم برای جلوگیری از هرج و مرج و فلج شدن جامعه، وجود اعتقاد و اعتماد میان افراد است (Sabine, 2004, p. 644). نقش اعتماد در کارکرد جامعه از مدت‌ها پیش توسط دانشمندان این حوزه مطالعه شده است که از میان آنها می‌توان به دورکیم اشاره کرد. در تئوری سیاسی و جامعه‌شناسی مدرن، مفهوم اعتماد را به طور معمول در چارچوب رابطه‌ای تعریف می‌کنند (Easton, 1965)،

1. Trust

قبل از وقوع آن پیش‌بینی و فعالیت خود را بر اساس آن طراحی می‌کند (Larson, 2007, p. 222). از زمانی که لوهمن (۱۹۷۹) و باربر (۱۹۸۳) به ایجاد تحولی فرهنگی در جامعه‌شناسی اقدام کردند، اعتماد به یک مفهوم محوری در فهم روابط اجتماعی و توسعه اجتماعی تبدیل گردیده است. به

را تجزیه و تحلیل می‌کند؛ پوتنام (۲۰۰۰) کاهش درازمدت و قابل توجه در سرمایه اجتماعی را در ایالات متحده مستند می‌کند و بالاخره هاردین (۲۰۰۲) به توضیح معرفت‌شناسی اعتماد در سطح عامه می‌پردازد.

نگاره شماره (۱) - تعاریف متفاوت از مفهوم اعتماد

تعریف اعتماد
اطمینان یا اتکاء به برخی از ویژگی‌ها یا خصایص یک شخص یا سازمان، پذیرفتن یا اعتبار دادن به شخص یا سازمان بدون بررسی و دریافت شواهد و قرائن، باور یا اعتقاد یا اتکاء به صداقت یک فرد یا سازمان، داشتن انتظارات مطمئن نسبت به فرد یا سازمان و همچنین باور به صداقت، درستی و وفاداری افراد یا گروه‌ها. پس اعتماد باور ما راجع به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. یعنی احتمال اینکه دیگران کارهای خاصی را انجام دهند و یا از انجام کارهای خاصی امتناع کنند (Offe, 1999, p. 47).
صلاح‌دیدی از جانب فرد یا گروهی که می‌توان به واسطه آن بر کلام، وعده، اظهار شفاهی یا کتبی فرد یا گروه دیگری تکیه کرد (Rootter, 1997, p. 652).
اعتماد یک انتظار مثبت است، در رابطه با اینکه طرف مقابل در گفتار، کردار و تصمیمات خود به گونه‌ای فرصت‌طلبانه رفتار نکند (Gordon, 2000, p. 298).
اعتماد سطحی از اطمینان است که یک فرد در رابطه با دیگری از آن برخوردار است و بر اساس آن رفتاری منصفانه، اخلاقی و قابل پیش‌بینی ارائه می‌کند. اعتماد دارای یک ساختار چند بعدی است که شامل اعتماد بین فردی، بین دو نفر، گروهی، سازمانی، بین سازمانی، اعتماد سیاسی، اجتماعی، اعتماد به همکار در محل کار، اعتماد بین ارشد و زیردست در محل کار و ... می‌باشد (Nyhan and Marlowe, 1997, p. 615; Nyhan, 2000, p. 88)

عنوان مثال، لوهمن بین اعتماد و پیچیدگی اجتماعی، پیوند برقرار می‌کند؛ گامبتا (۱۹۸۸) به شرح اهمیت اعتماد در روابط همکاری می‌پردازد؛ ایزن اشتات (۱۹۹۵) پیرامون قدرت، اعتماد و معنا بحث می‌کند؛ گیدنز (۱۹۹۶) ارتباط بین اعتماد و نوگرایی

۲- فضای مفهومی اعتماد سیاسی

با توجه به اینکه اعتماد سیاسی^۲ به حکومت یکی از ابعاد بسیار مهم مفهوم

تصور کنند که سیاستمداران فقط به فکر منافع خود هستند، اطمینان به دولت کاهش می‌یابد و این امر به شدت به تأثیر رسانه‌های تبلیغاتی بستگی دارد. لازار اسفلد و مرتون هم در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر رسانه‌ها بر اعتماد سیاسی، ریشه confidence را از واژه لاتین faith together می‌دانند و آن را برای اطمینان به مسئولان سیاسی به کار برده‌اند. اعتماد سیاسی از نظر ایستون مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات یا سوژه‌های سیاسی است (حیدری، ۱۳۸۷). او یکی از اندیشمندی است که می‌گوید اعتماد سیاسی هم به سمت رژیم سیاسی جهت می‌یابد و هم به سمت دارندگان و متصدیان اقتدار در جامعه.

نوریس^۵ هم در تعریف اعتماد سیاسی به چهار شاخص پرداخته است:

۱. حمایت از اجتماع سیاسی مثل ملت، کشور (حمایت از کشور در زمان جنگ)
۲. حمایت از قانون اساسی کشور
۳. حمایت از امور اجرایی رژیم مثل دموکراسی و همانند آن
۴. حمایت از نهادهای رژیم مثل حکومت، پارلمان، قوه قضاییه،

اعتماد می‌باشد، در ابتدا مشخص می‌شود که منظور از اعتماد سیاسی کدام واژه لاتین است. در ادبیات اعتماد سیاسی، با سه مفهوم "Political Trust" ، "Confidence" و "Political Efficacy" مواجه می‌شویم. قابلیت سیاسی، به احساسات شهروندان درباره اثرات کنش آنها روی حوادث سیاسی می‌پردازد. این مفهوم نشانگر اعتقاد افراد به تأثیرگذاری‌شان بر تغییرات سیاسی و اجتماعی است. ریشه "Political Efficacy" به روانشناسی اجتماعی و به مفاهیمی چون شایستگی فردی، اعتماد به نفس، ارزیابی از توانایی خود و قابلیت‌های شخصی بر می‌گردد و نقطه مقابل از خود بیگانگی سیاسی است، لذا بیشتر در سیستم‌های دموکراتیک کاربرد دارد. "Efficacy" نیز جهت‌گیری تعمیم‌یافته به سوی موضوعات سیاسی است که در طول زمان کم و بیش ثابت می‌ماند. اما اعتماد سیاسی از نظر سیتیرن^۳ به احساس مردم در مورد متصدیان سیاسی و سیاست‌های آنان باز می‌گردد. لیپست و اشنايدر^۴ هم در کالبدشکافی اعتماد، اطمینان سیاسی را محدود به رهبران سیاسی و رهبران نهادهای اصلی می‌دانند و مدعی هستند هرگاه مردم

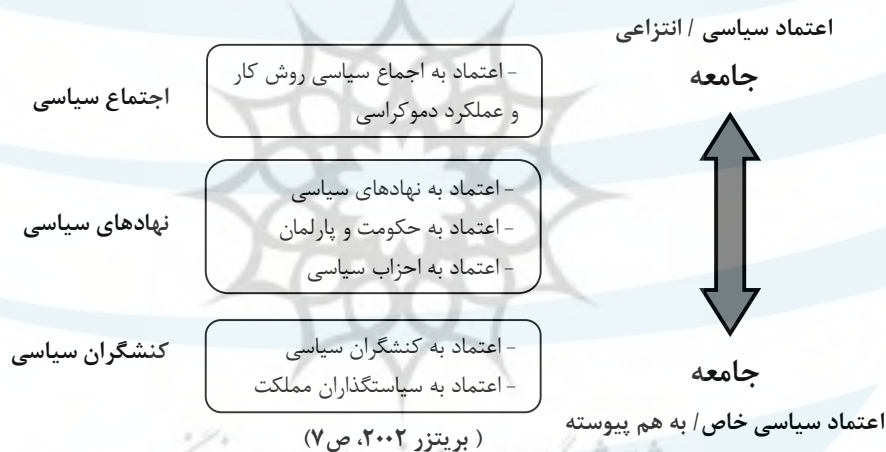
3. Citrin
4. Lipset & Schneider

5. Norris

کامل و فراگیر پوشش می‌دهد. از نظر ابعاد اعتماد سیاسی، با توجه به نظریات بریتزر، ابعاد اعتماد سیاسی را می‌توان در طیفی وسیع بین اعتماد سیاسی عام / انتزاعی تا اعتماد سیاسی خاص / به هم پیوسته در نظر گرفت که شامل سه بعد اعتماد سیاسی است. این سه بعد به صورت زیر به تصویر کشیده می‌شود:

پلیس، بوروکراسی، احزاب سیاسی و حمایت از کنشگران سیاسی و رؤسای سیاسی و اجرایی در یک جمع‌بندی کلی باید عنوان کرد که اعتماد سیاسی به احساس توانمندی سیاسی افراد برمی‌گردد و نقطه مقابل از خود بیگانگی سیاسی است. اطمینان سیاسی بیشتر به نخبگان و رهبران سیاسی

شکل شماره (۱) - ابعاد اعتماد سیاسی (شایگان، ۱۳۸۶، ص ۲۲)



۳- تعریف اعتماد سیاسی

تعاریف متفاوتی از مفهوم اعتماد سیاسی ارائه شده است که می‌توان مفهوم اعتماد سیاسی را از میان آنها استخراج کرد. وارن در تعریف خود بر تمایل مردم برای پیروی از رهبران سیاسی در یک جامعه تأکید نموده است. فوکویاما نیز به درک

می‌پردازد، ولی اعتماد سیاسی مفهومی عام‌تر است و علاوه بر کنشگران به نهادها و بعضاً به خود نظام سیاسی هم می‌پردازد و لذا از میان این سه واژه به دلیل جامعیت و توجه به تمام ابعاد و جوانب سیاسی واژه‌ها، آنچه در این تحقیق مورد نظر می‌باشد، اعتماد سیاسی است که هر سه جزء تشکیل‌دهنده یک حکومت را به عنوان یک ساختار سیاسی

می‌رسد که مفهوم اعتماد یکی از مفاهیم سهل و ممتنع (ساده و در عین حال پیچیده) است. این مفهوم به انحاء مختلف در زبان روزمره استفاده می‌شود و از سوی دیگر علوم اجتماعی تلاش دارد تا از آن برای تبیین محدوده وسیعی از پدیده‌های اجتماعی بهره جوید. با عنایت به این مطلب می‌توان دو تعریف متفاوت از مفهوم فوق ارائه نمود:

۱. اعتماد سیاسی را می‌توان بدین صورت تعریف کرد: احتمال اینکه یک نظام سیاسی یا بخشی از آن پیامدها یا نتایج مورد نظر مردم را در آینده تولید کند. به عبارت دیگر اعتماد سیاسی یعنی احتمال کسب نتایج مطلوب بدون اینکه یک گروه از مردم برای وقوع آن کاری انجام دهند (احتمال انجام امور مطلوب مردم توسط دولت بدون اینکه نیازی به دخالت مستقیم آنها باشد) (Gamson, 1968, p.54).

۲. اعتماد باور ما راجع به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. یعنی احتمال اینکه دیگران کارهای خاصی را انجام دهند و یا از انجام کارهای خاصی امتناع کنند. اعتماد عبارت از این اعتقاد است که دیگران از طریق انجام یا عدم انجام برخی اعمال موجب خشنودی ما می‌شوند و یا از وارد آمدن زیان به ما اجتناب می‌کنند (Offe, 1999, p.47).

مشترک جامعه اخلاقی، اجتماعی و سیاسی با توافق بر روی ارزش‌های اجتماعی که باید تعقیب شود اشاره نموده است (Fukuyama, 1995, p.1). اما در تعریف هترینگتون از اعتماد سیاسی، عبارت است از درجه‌ای از انتظارات شهروندان از توانایی و موفقیت حاکمان که متناسب با انتظارات آنها باشد. از نظر او ارتباط تنگاتنگی از یک سو، بین اعتماد اجتماعی (اعتماد مردم به یکدیگر) و سیاسی (اعتماد به نخبگان خود) و از سوی دیگر بین تجارب سیاسی افراد و برداشت آنها از کارآمدی دولت وجود دارد. در این تعریف عنصر مهم و کلیدی در تلقی و ادراک شهروندان از کارآمدی دولت نهفته است و نه واقعیت مربوط به موفقیت‌ها و موقعیت‌های دولت (Hetherington, 1998, pp.791-808). به این معنا که ممکن است دولتی از نظر آمار و ارقام و اطلاعات دستگاه‌های خود یا دیگران از کارآمدی در عرصه‌های مختلف برخوردار باشد، ولی مردم چنین تلقی و برداشتی از آن نداشته باشند. به واسطه همین تعریف است که اعتماد سیاسی ارتباط عمیقی با فرهنگ سیاسی توده‌ها دارد که در آن به نحوه نگرش، احساسات و ارزیابی مردم درباره نظام سیاسی و نهادهای مربوط توجه می‌شود. به نظر

با وجود اینکه حدود سی سال بین این دو تعریف فاصله وجود دارد، اما شباهت‌های میان آنها قابل توجه است. گمسون (Gamson, 1968) در مورد اعتماد سیاسی مطالبی نوشته است، در حالی که آف (Offe, 1992) به صورت کلی‌تری به مفهوم اعتماد اشاره می‌کند. در عین حال هر دو تعریف بر عناصر زیر تأکید دارند.

اعتماد یک نوع باور یا اعتقاد است. این باور در مورد اعمال یا اقدامات آینده دیگران است و بالاخره اینکه اعتماد همراه با خطر کردن است، چرا که به هنگام شکل‌گیری آن، قطعیتی پیرامون نتایج و پیامدهای حاصل از آن وجود ندارد. بنابراین اعتماد تنها در بستر روابط اجتماعی بروز پیدا می‌کند. این بدان معناست که برای ظهور اعتماد حداقل به دو کنشگر نیاز است. دلیل این امر آن است که اعتماد به عمل (کنش) انسانی مربوط است. لذا اعتماد بین پدیده‌های بی‌جان واقع نمی‌گردد. برای مثال اعتماد کردن به طلوع خورشید در هر صبح بی‌معناست، اگرچه چنین چیزی را انتظار داریم. یک رابطه مبتنی بر اعتماد در میان کنشگران راهبردی پدید می‌آید. به بیان ساده می‌توانیم این رابطه را به صورت زیر ترسیم کنیم: فرد A به B اعتماد می‌کند تا کار X را انجام دهد. این

به معنای آن است که فرد می‌تواند به یک نهاد عمومی اعتماد کند تا آنچه انتظارش را دارد، برای او انجام دهد یا طبق مؤلفه‌های مورد انتظار وی رفتار نماید. در حالی که اعتماد بین فردی کمتر مورد سؤال واقع می‌شود، مباحث مختلفی پیرامون میزان و چگونگی اعتماد عمومی نسبت به نهادها وجود دارد. برای نمونه طبق نظر هاردین⁶ اعتماد به نهادهای عمومی تنها هنگامی ممکن است که یکی از دو وضعیت زیر تحقق یابد: هر کدام از اعضای یک نهاد معین را بشناسیم و یا اینکه از جزئیات نقش و ساختار قدرت و اختیار در چنین نهادی با خبر باشیم. از آنجا که نمی‌توان از شهروندان انتظار داشت که از چنین دانشی برخوردار باشند، لذا هاردین نتیجه می‌گیرد که اعتماد شهروندان به نهادهای اجتماعی دشوار است. اگرچه به نظر می‌رسد وجود شفافیت در فرایندها می‌تواند اعتماد شهروندان را افزایش دهد. به این ترتیب اعتماد به نهادها مادامی امکان‌پذیر است که افراد دست کم از میزانی از دانش در مورد آن نهاد برخوردار باشند. نکته مهم این است که برای بروز اعتماد حتی در رابطه میان دو نفر به چنین درجه

6. Hardin

گروهی از اشخاص مربوط می‌گردد که این اعتماد به سمت آنها جهت‌گیری شده است (Levi and Stoker, 2000, pp.475-507).

از آنجا که اعتماد نوعی باور در مورد اقدامات آینده و پیامدهای آنهاست، ویژگی دوم هرگونه رابطه مبتنی بر اعتماد این است که این رابطه همواره با مخاطره همراه است. هنگامی که به دیگران اعتماد می‌کنیم، از پیامدهای آن مطمئن نیستیم. یعنی در رابطه با اعمال دیگران توقعاتی داریم، بدون اینکه بدانیم نتیجه نهایی چه خواهد شد. شخصی که اعتماد می‌کند، از این مخاطرات آگاه است و خود را در برابر دیگران آسیب‌پذیر می‌نماید. پس اعتماد راهی است برای کاهش عدم اطمینان افراد نسبت به اعمال و اقدامات آینده و در عین حال مخاطرات پیش روی ما را در روابط اجتماعی افزایش می‌دهد. سومین عنصر اصلی اعتماد این است که این پدیده به ارزیابی ما از میزان قابلیت اعتماد^۷ دیگران بستگی دارد. هر چند که وجود چنین رابطه‌ای دست کم به صورت ضمنی بدیهی به نظر می‌رسد، اما به ندرت در قالب تحقیقات تجربی بررسی شده است. منظور از قابلیت اعتماد این است که دیگران تا چه اندازه ظرفیت برآورده ساختن اعتماد ما را

بالایی از دانش که هاردین به آن اشاره می‌کند، نیازی نیست.

در حقیقت نیازی نیست که اعتماد مبتنی بر دانش باشد، زیرا اساساً اعتماد بر بستر درجه‌ای از ریسک و عدم اطمینان شکل می‌گیرد یا به عبارت بهتر بحث اعتماد در موقعیت‌هایی ضرورت می‌یابد که اطلاعات موجود کامل نیست. البته شهروندان تا حدودی از چنین دانشی برخوردارند. آنها رهبران و خروجی خطمشی را می‌شناسند و همواره با امور جاری و رویه‌های روزمره مؤسسات در ارتباط‌اند. اولین عنصری که در هر گونه تعریف از بحث اعتماد به چشم می‌خورد، این ایده است که اعتماد نوعی باور است. پس وقتی ما به شخصی اعتماد می‌کنیم، نوعی اعتقاد را در مورد اعمال و اقدامات آتی وی ابراز می‌کنیم. اعتماد باوری درباره آن چیزی است که دیگران انجام خواهند داد و یا انجام نخواهند داد و اینکه پیامدها و نتایج این عمل چه خواهد بود. این باور می‌تواند در علل یا مفروضات متفاوتی ریشه داشته باشد. مثلاً اعتماد می‌تواند مبتنی بر دانش باشد یا می‌تواند ناشی از همدلی و یا قصد سود رسانی به دیگران باشد. در هر صورت مبنای اعتماد به طور مستقیم به یک عینیت بیرونی، شخص یا

۴- سنجش اعتماد سیاسی

حمایت از نهادهای سیاسی - اداری یا بوروکراسی‌های واقع در یک رژیم سیاسی مبتنی بر اعتماد عمومی مردم به نهادهایی است که بر یک کشور حکومت می‌کنند. در راستای بحث ایستون که می‌گوید اعتماد شکلی از حمایت از رژیم‌های سیاسی است، پژوهشگران مختلف مجموعه‌ای از سؤالات را برای سنجش و ارزیابی اعتماد در یک رژیم سیاسی طراحی کرده‌اند (Levi and Stoker, 2000, pp.475-507). اگرچه نتایج حاصل از شاخص اعتماد به حکومت، بحث گسترده و روشنی را در این مورد ایجاد کرده است که آیا این شاخص میزان حمایت از رژیم سیاسی را می‌سنجد یا میزان حمایت از مسئولان و متصدیان امور و کارگزاران و مدیران بخش عمومی را؟ از ظاهر قضیه پیداست که این شاخص در واقع میزان حمایت از مسئولان و کارگزاران یا همان دارندگان قدرت و اختیارات عمومی را ارزیابی می‌نماید و ضروری است که شاخص دیگری نیز برای سنجش اعتماد به نهادها و مؤسسات رژیم مربوط ساخته شود.

در این باره می‌توان مباحثه بین میلر و سیتترین را در رابطه با معنا و مفهوم این شاخص مد نظر قرار داد (Miller, 1974);

دارند. طبعاً چنین ارزیابی‌هایی از عدم قطعیت پیش روی ما می‌کاهند و پایه‌ای را برای بروز روابط مبتنی بر اعتماد فراهم می‌آورند. حتی هنگامی که هیچ الزامی برای اعتماد وجود ندارد، یک شخص یا نهاد می‌تواند شاخص‌های مربوط به قابلیت اعتماد را ترسیم کند که این امر تا حدودی اعتمادکنندگان بالقوه را مطمئن می‌سازد که گروه‌های مورد اعتماد به آنها خیانت نخواهند کرد (Levi and Stoker, 2000, pp.475-507). از نهادهای مورد اعتماد انتظار می‌رود که انتظارات مورد نظر را به دو دلیل برآورده سازند. اول اینکه آنها مکلف به انجام این کار هستند و دوم اینکه از توانایی لازم برای انجام این کار برخوردارند. اگرچه این مسئله به صورت آشکار در تعاریف ذکر نشده، ولی یک موضوع مهم در مباحث اعتماد این است که فرد اعتمادکننده از طریق بیان و یا ارائه این اعتماد به نوعی باعث پشتیبانی و تحرک طرف یا طرف‌های دیگر این رابطه می‌شود. یعنی این توقع وجود دارد که دیگری به یک روش خاص عمل کند و ما به واسطه اعتماد خویش از نیاز به کنترل و نظارت بر وی چشم‌پوشی می‌کنیم.

جمله میزان توانایی و کارایی کارگزاران دولتی و صحت تصمیمات و خط‌مشی‌های آنان نیز تعمیماً داده شد (Stokes, 1962, p. 64). بسیاری از اساتید دیگر نیز در رابطه با معنا و مفهوم این شاخص اظهار نظر کرده‌اند. حتی ایستون که اعتماد را نوعی حمایت پراکنده می‌داند، بر این باور است که این شاخص می‌تواند افزون بر حمایت پراکنده با حمایت خاص نیز مرتبط باشد (Easton, 1975, pp. 435-457).

۵- مقیاس اعتماد سیاسی

همان‌گونه که ملاحظه شد، مجموعه پرسش‌های سنتی مورد استفاده برای ارزیابی و سنجش اعتماد یا حمایت از نهادهای رژیم در واقع حمایت از کارگزاران و اولیای امور را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد. چنین معیارهایی از پاسخ‌دهندگان مستقیماً می‌خواهند تا مدیران و متصدیان امر را بر حسب عملکردشان ارزشیابی نمایند. بنابراین آنچه را که ما نیاز داریم، ایجاد معیاری برای اعتماد سیاسی یا اعتماد به نهادهای سیاسی است که در واقع اعتماد معطوف به نهادهای رژیم سیاسی را اندازه‌گیری می‌کند (البته همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، گروه دیگری از اندیشمندان نظیر بریتزر^۸، برای سنجش

(Citrin, 1974). میلر بر این باور است که کاهش سطوح اعتماد به حکومت‌ها نمایانگر یک نوع نارضایتی فراگیر و مستمر از حکومت است. این امر می‌تواند افزایش پتانسیل بالقوه را برای وقوع تغییر و تحولات بنیادین به دنبال داشته باشد (Miller, 1974, p. 951). سیرتین در واکنش مستقیم به این بحث استدلال می‌کند که کاهش در سطوح اعتماد چیزی بیش از ناخشنودی عمومی مردم از دولت‌ها یا حکومت‌های کنونی و نارضایتی آنان از اعمال سیاستمداران و مدیران فعلی را بیان نمی‌کند. در همین حال برخی دیگر معتقدند این استدلال حکایت از نگرش‌های کوتاه‌مدتی دارد که لزوماً نمی‌توان آنها را با بحران مشروعیت یا پتانسیل تغییرات بنیادین، مرتبط دانست. به هر حال پژوهشگران برای کمک به تفسیر این دست سؤالات، مجموعه‌ای از معیارها را توسعه دادند.

طبق گفته استوکس ملاک قضاوت نهفته در این سؤالات تا حدودی اخلاقی بود، یعنی امانتداری و سایر کیفیات اخلاقی کارگزاران بخش عمومی بخشی از آن چیزی است که معمولاً از نمونه‌های مورد آزمایش خواسته می‌شود تا در مورد آن به قضاوت بپردازند. اما این معیار به دیگر کیفیت‌ها از

اعتماد سیاسی مجموعه‌ای از اعتماد به نهادها و کنشگران را لحاظ می‌کنند). در نتیجه ایجاد یک معیار روا و پایا در مورد نهادهای رژیم سیاسی ضروری است. این معیار باید موارد زیر را دارا باشد: اول نیازمند آن است که موضوع اعتماد را به طور شفاف مشخص کند. به عبارت دیگر لازم است که مؤسسات یا نهادهای مشمول این شاخص به روشنی نام برده شوند. دوم، معیار اعتماد سیاسی می‌بایست از سایر معیارهای حمایت از موضوعات یا سوژه‌های واقع در یک نظام سیاسی به راحتی قابل تمیز باشد. برای نمونه میزان اعتماد به نهادهای سیاسی در یک کشور را می‌توان به کمک مجموعه سؤالاتی مانند پرسش‌های زیر که در اکثر پیمایش‌های معتبر صورت گرفته در سطح جهان به عنوان ارزش مطرح شده‌اند، ارزیابی نمود:

تعدادی سازمان را در زیر نام برده‌ایم. در مورد هر یک از آنها درجه اطمینان خود را بیان کنید یا بگویید که نسبت به هر کدام تا چه اندازه اطمینان دارید: خیلی زیاد، نسبتاً زیاد، نه چندان زیاد، اصلاً. مؤسسات و نهادهایی شامل کلیساها و نهادهای دینی، نیروهای ارتش، سیستم‌های حقوقی، مطبوعات و انتشارات، رادیو و تلویزیون،

پلیس، اتحادیه‌های کاری، دولت ملی، احزاب سیاسی، مجلس، خدمات کشوری و نهادهای بزرگ دولتی را می‌توان در این زمره بیان نمود.

این سؤالات از پاسخ‌دهندگان می‌پرسند که تا چه حد به تعداد زیادی از نهادهای فوق اطمینان می‌کنند و از این طریق این امکان را به ما می‌دهند تا بین نهادهای سیاسی و غیرسیاسی تفکیک قائل شویم. اگرچه میزان تمایز بین این دو دسته از مؤسسات از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و این امر وابسته به ویژگی‌ها و نقش‌هایی است که این نهادها در یک جامعه ایفا می‌کنند. برای پرهیز از چنین مشکلاتی می‌توان یک تعریف محدودتر از نهادهای سیاسی را مد نظر قرار داد، برای مثال در ایجاد شاخصی برای اعتماد سیاسی می‌توان صرفاً پرسش‌هایی را در خصوص حکومت ملی، احزاب سیاسی، مجلس و سیستم خدمات کشوری مطرح کرد. ویژگی‌های مهم این سؤالات این است که پرسش‌هایی را در رابطه با میزان اعتماد مطرح می‌کنند که اولاً بدون هرگونه ارجاع به عملکرد این مؤسسات و ثانیاً بدون هرگونه ارجاع به رهبران یا نقش‌های خاصی در این گونه نهادها پرسیده می‌شوند. به این ترتیب از مشکلات مربوط به شاخص میزان اعتماد

به حکومت کاسته می‌شود. ضمن آنکه یکی از الزاماتی که پیشتر ذکر شده بود نیز برآورده می‌شود، یعنی موضوع یا سوژه سیاسی که اعتماد معطوف به آن است، به صورت کاملاً آشکار مشخص می‌گردد. به دلیل همین ویژگی‌ها کمتر احتمال دارد که این گونه سؤالات در افراد پاسخ‌دهنده نسبت به یک نظریه خاص اعتماد یا نسبت به ارزشیابی از یک رهبر خاص یا گروهی از رهبران، موجب سوگیری شوند (Mishler and Rose, 2001, pp.30-62).

۶- اعتماد سیاسی و وضعیت اقتصادی

یک نظریه پیرامون عوامل مهم تبیین‌کننده اعتماد سیاسی، آن را متأثر از اوضاع اقتصادی کشورها می‌داند. تاریخچه پژوهش پیرامون اثرات عوامل اقتصادی بر ابعاد متفاوت دیدگاه عامه (و به طور خاص حمایت عمومی از دولت) بسیار وسیع است و در اینجا خلاصه‌ای از آن مطرح می‌گردد. در این راستا می‌توانیم بین تبیین سنتی تأثیر شاخص‌های عملکرد اقتصادی در سطح کلان و نیز تأثیر نحوه ادراکات مردم در مورد چگونگی وضعیت یا کارکرد اقتصاد در سطح فردی تمایز قائل شویم. در هر دو نوع برداشت فوق از مقوله اقتصاد و نحوه تبیین اثرگذاری آن بحث اصلی این است که

مزیت نهایی استفاده از این مجموعه از سؤالات این است که به شما اجازه می‌دهد تا همچنان به عنوان بخشی از سنت سنجش اعتماد سیاسی در ادبیات پژوهش‌های تطبیقی باقی بمانید؛ جایی که اشکال متفاوت این شاخص برای ارزیابی و مقایسه سطوح اعتماد در مؤسسات سیاسی کشورهای مختلف به کار می‌رود. با توجه به مجموعه آنچه تاکنون بیان شد و نیز تعاریف مختلف صورت گرفته از مفهوم اعتماد سیاسی، به عنوان جمع‌بندی این بخش لازم است تأکید کنیم که در این پژوهش تعریف بریتزر از متغیر اعتماد سیاسی مبنای کار ما خواهد بود. همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، بریتزر اعتماد سیاسی را تحت عنوان اعتماد

شهروندان تا زمانی به نهادهای حکومتی و سازمان‌های دولتی اعتماد می‌کنند که نظام اقتصادی در حالت کلی از وضعیت مساعدی برخوردار باشد. نکته بسیار مهم این است که اگرچه کاهش در سطح عملکرد را نمی‌توان لزوماً به فعالیت‌های نامناسب حکومت نسبت داد، اما روابط مشاهده‌شده بین نحوه جهت‌گیری حکومت و معیارهای عملکرد اقتصادی بیانگر آن است که حکومت‌ها عموماً از طریق رأی‌دهندگان، در قبال وضعیت اقتصادی کشورشان پاسخگو نگه داشته می‌شوند (Alesina & Wacziarg, 2000, p.170).

ادبیات این حوزه با بحث رأی‌گیری اقتصادی آغاز شده است. سؤال اصلی این بود که آیا شهروندان در جریان انتخابات بر اساس ارزشیابی اوضاع و احوال اقتصادی و تأثیر آن بر درآمدهای خودشان رأی داده‌اند یا خیر؟! برای نمونه پژوهش‌های صورت‌گرفته در خصوص رأی‌گیری‌های گذشته نشانگر آن بوده است که وضعیت اقتصاد ملی (مواردی نظیر رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و درصد تورم) پیش‌بینی‌کننده‌هایی نیرومند برای نتایج انتخابات ذی‌ربط به شمار می‌روند: در واقع هنگامی که اقتصاد در مجموع خوب عمل می‌کند، احتمال پیروزی احزاب حاکم

در انتخابات بیشتر است (Clarke, et al, 1993, pp. 998-1021; Cusack, 1999, pp. 641-672). هنگام مرور تحقیقات انجام‌شده درباره نقش اوضاع و احوال اقتصادی (در سطح ملی) بر سطح متوسط اعتماد سیاسی نیز همین نتیجه به دست می‌آید. برای مثال هولمبرگ (Holmberg, 1997) نشان می‌دهد که چگونگی اوضاع اقتصاد ملی در تبیین روند اعتماد به حکومت در سوئد مهم است. لیستاگ و ویبرگ (Listhaug & Wiberg, 1995) نیز عقیده دارند که سطح اطمینان به دولت با میزان بیکاری در اروپای غربی رابطه منفی یا معکوس دارد (Newton, 2007, pp. 846-864).

از سوی دیگر مک آلیستر (Mc Alister, 1999) بیان می‌کند که تولید ناخالص داخلی با میزان اطمینان به نهادهای عمومی و دولتی رابطه منفی دارد و استدلال وی نیز این است که رأی‌دهندگان حاضر در دموکراسی‌های پایدار و قدیمی نسبت به افراد حاضر در دموکراسی‌های جدید و نوپا از نظام‌های سیاسی - اداری خود انتظارات بالاتری دارند (Mc Alister, 1999, p.201). بنابراین رویکرد مذکور یک ضعف عمده را به همراه دارد: این رویکرد تبیین نوسانات اعتماد سیاسی در سطح فردی را امکان‌پذیر

دیگر عناصر عملکرد نهادهای عمومی در کنار این عامل نیز نباید غفلت شود.

۷- اعتماد سیاسی و قابلیت اعتماد نهادی؛ نقش فساد

تاکنون فرضیه‌های عمده‌ای را که برای تبیین نوسانات اعتماد سیاسی استفاده شده است، مطرح کردیم. این فرضیه‌ها هم جنبه درون‌کشوری و هم جنبه بین‌کشوری داشته‌اند. در این بخش روش تازه‌ای برای اندیشیدن پیرامون سرچشمه‌های اصلی اعتماد سیاسی ارائه می‌گردد که مبتنی بر بعضی ویژگی‌های خاص شخص یا چیزی است که مورد اعتماد واقع می‌شود. البته این رویکرد در بردارنده بسیاری از عناصر دیگری است که پیشتر در مورد آن بحث کرده‌ایم، اما آنها را به شیوه تازه‌ای با یکدیگر ترکیب می‌کند و به این ترتیب تبیین جدیدی را از موضوع اعتماد ممکن می‌سازد؛ به گونه‌ای که تفاوت‌های میان نظریه‌های گوناگونی را که قبلاً مطرح شدند، برطرف می‌نماید. همان‌طور که هنگام بحث پیرامون تعریف اعتماد پیشنهاد شد، اعتماد مبتنی بر رابطه است. یعنی برخی افراد کارها یا چیزهایی را از برخی دیگر انتظار دارند. این رابطه بر اساس ارزیابی قابلیت اعتماد افراد دیگر شکل می‌گیرد. بنابراین شما بر مبنای میزان قابلیت

نمی‌سازد. به همین علت معمولاً نتایج حاصل ضعیف‌تر از زمانی هستند که داده‌های جمعی را در مورد اعتماد مقایسه می‌کنیم. در نتیجه از آن عمدتاً در ارزیابی‌های بین‌کشورها استفاده شده است. با در نظر گرفتن این محدودیت، پژوهشگران تأثیر ادراکات افراد از وضعیت اقتصاد را بررسی کرده‌اند. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که دست کم در دموکراسی‌های در حال توسعه و در میان آن دسته از پاسخ‌دهندگانی که اوضاع اقتصادی جامعه یا خودشان را خوب ارزیابی می‌کنند، سطوح اعتماد بالاتر است. کاتربرگ و مورنو (Catterberg & Moreno, 2005) نیز در مقایسه تحلیلی دموکراسی‌های نوظهور و قدیمی‌تر دریافته‌اند که میزان رضایت مالی افراد به طور مثبت و تا حد زیادی با سطح اعتماد آنها رابطه دارد (Espinal, et al; 2006, pp. 200-223). به هر حال مسئله اصلی در هرگونه فرضیه پیرامون عملکرد یا وضعیت اقتصادی این است که هر یک از دیدگاه‌های مطرح‌شده، روش‌های دیگری را که افراد به کمک آنها می‌توانند این عملکرد را ارزیابی کنند، مورد ملاحظه قرار نمی‌دهند (به عبارت بهتر حالت تک‌بعدی دارند). اگرچه اقتصاد می‌تواند یک پیش‌بینی‌کننده قوی برای عنصر اعتماد عمومی باشد، اما از

اعتماد دیگران تصمیم خواهید گرفت که آیا به آنها اعتماد کنید یا خیر؟ پس در این زمینه میزان تمایل و ظرفیت دیگران برای ابراز اعتماد مهم است. از نهادها یا اشخاص مورد اعتماد به دو دلیل انتظار می‌رود که توقعات موجود را برآورده سازند: اول اینکه آنها باید این کار را انجام دهند و دوم اینکه آنها توانایی انجام این کار را دارند. بنابراین اگرچه قابلیت اعتماد به عملکرد مربوط می‌شود و به این بستگی دارد که دیگران چه کاری می‌توانند انجام دهند، اما همواره یک جنبه اخلاقی نیز به آن ضمیمه می‌گردد. لذا دو عنصر وجود دارند که نهادهای قابل اعتماد را مشخص می‌کنند: میزان انصاف⁹ و شایستگی و صلاحیت.¹⁰

انصاف: افراد برای اینکه به عنوان یک عامل یا کنشگر از خود اعتماد نشان دهند، لازم است شواهد کافی از انصاف نسبی حکومت در دست داشته باشند و اطمینان کنند که دولت متبوع آنها منافع کلیه احزاب رقیب را هماهنگ و متناسب می‌سازد. اعتقاد به انصاف و عدالت‌ورزی دولت نیازمند ایجاد این ادراک عمومی در مردم است که خواسته‌ها و مطالبات همه ذینفعان مربوط مورد ملاحظه قرار گرفته است و این یعنی

مکر و نیرنگی در کار نیست (Levi, 1998, p.90). پس می‌توان گفت انصاف در واقع به این ایده اشاره دارد که نهادهای سیاسی - اداری انتظارات افرادی را که به آنها اعتماد می‌کنند، برآورده می‌سازند، بدان علت که باید چنین کاری را انجام دهند. در اینجا انصاف را می‌توان هم به عنوان یک رویه و هم به عنوان عاملی که به نتایج و پیامدهای اعمال مؤسسات مربوط است، در نظر گرفت. در مورد اول لازم است که نهادهای ذیربط مجموعه‌ای از رویه‌های منصفانه را برای تصمیم‌گیری بنا نهند تا اطمینان یابند که این فرایند فرصت‌های مشابهی را برای همه افرادی که در آن درگیرند، فراهم می‌سازد. فرض بر این است که اگر نهادهای سیاسی - اداری مجموعه‌ای از رویه‌های منصفانه را شکل بدهند، شهروندان می‌توانند به آنها اعتماد نمایند. به این ترتیب تعاملات میان دولت و شهروندان مبتنی بر رویه‌های شناخته‌شده و منصفانه‌ای خواهد بود که دسترسی برابر مردم و فرصت‌های مساوی آنها برای پیامدهای مثبت را تضمین می‌نماید. البته ملاحظات منصفانه در زمینه پیامدها و نتایج حاصل از خط‌مشی‌گذاری نیز حائز اهمیت است.

9. Fairness

10. Competence

از یک خط‌مشی خاص سودی عایدشان نمی‌شود، ممکن است بازهم نهادهای سیاسی-اداری مربوط را منصف بدانند، زیرا آنها هر نتیجه یا پیامد را بر اساس آنچه که برای جامعه در پی دارد، ارزیابی می‌کنند و آن را مهم‌تر قلمداد می‌نمایند. پس می‌توان گفت که در ارزیابی میزان انصاف‌ورزی یک نهاد عمومی، هم مزایای فردی و هم منافع اجتماعی ایجادشده توسط آن نهاد ملاحظه می‌شوند.

صلاحیت و شایستگی: دومین ویژگی

یک نهاد قابل اعتماد، شایستگی و صلاحیت آن است. نهادهای قابل اعتماد باید بتوانند آنچه را که از آنان انتظار می‌رود، به انجام برسانند. بنابراین شهروندان به سازمان‌هایی اعتماد خواهند کرد که نشان دهند می‌توانند به اهداف ترسیم‌شده توسط آنها دست یابند و مسائل و مشکلات مطرح‌شده توسط شهروندان را به صورت اثربخش حل نمایند. در واقع می‌توان گفت که بحث پیشین درباره عملکرد اقتصادی کاملاً با موضوع صلاحیت و شایستگی مرتبط است. یعنی به آسانی می‌توان شایستگی را از طریق میزان موفقیت ادراک‌شده در زمینه خط‌مشی‌های اقتصادی دولت ارزیابی نمود. البته قضاوت در مورد

پیامدهای خط‌مشی‌گذاری لزوماً بر همه افراد به صورت یکسان اثر نمی‌گذارند. از این رو باید انتظار داشت اشخاصی که از نتایج این سیاست‌ها و خط‌مشی‌های عمومی ناامیدند، در مقایسه با آنهایی که از سیاست‌های مزبور سود می‌برند، سطوح پایین‌تری از اعتماد را نشان دهند. به همین منوال برندگان سیاسی و افرادی که ارزیابی مثبتی از عملکرد اقتصادی دارند، سطوح بالاتری از اعتماد را نشان خواهند داد.

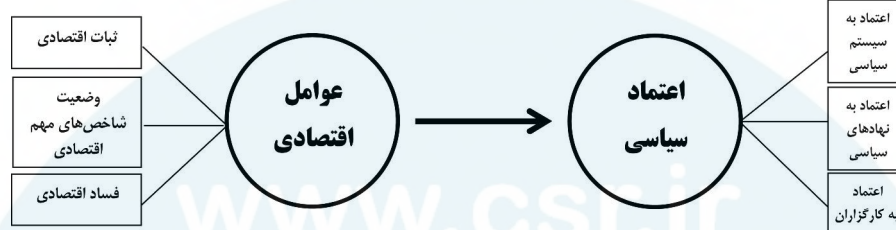
مشکلی که تا بلر و هو (Tyler & Huo, 2002) در رابطه با مناصب قانونی دولتی به آن اشاره می‌کنند، این است که چون مسئولان امر در بسیاری از موارد نتایج نامطلوبی به بار می‌آورند، نمی‌توان به آنها اعتماد کرد و تضمین نمود که همواره با تصمیمات و جهت‌گیری‌های خودشان مطلوبیت‌های عامه را حفظ می‌نمایند (Tyler & Huo, 2002, p.6). اما نکته مهم این است که مطابق ادراک عمومی، پیامدها و نتایج حاصل از عملکرد دولتمردان همیشه به سود یک گروه خاص نیست، بلکه ممکن است برای گروه‌های متفاوت در زمان‌های مختلف، منافع و مزیت‌های گوناگونی پدید آید. در این راستا حتی اگر شهروندان احساس کنند که

موضوع شایستگی صرفاً به عملکرد اقتصادی مربوط نمی‌شود و فراتر از آن است، زیرا یک نوع قضاوت سیاسی در مورد عملکرد سیاسی کلی نهادهای عمومی و دولتی به شمار می‌رود. این امر به این دلیل است که همه نهادهای دولتی به طور خاص وظیفه پیشبرد و توسعه اهداف اقتصادی را بر عهده ندارند، به همین جهت در این زمینه به طور کلی قضاوت می‌شود. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، افزون بر عملکرد نهادهای عمومی عوامل زمینه‌ای بسیاری بر چگونگی ادراک عامه مردم از اوضاع اقتصادی جاری در یک کشور تأثیر گذارند. توجه به این نکته حائز اهمیت است که نحوه ارزیابی مردم از قابلیت اعتماد این مؤسسات از فرهنگ سیاسی و ترتیبات نهادی حاکم در جوامع مختلف نیز تأثیر می‌پذیرد. این به معنای آن است که هم فرهنگ عمومی و هم نهادهای سیاسی-اداری می‌توانند آن چیزی را که از این نهادها انتظار می‌رود (آن چیزی را که نهادها ملزم به انجام آن هستند) شکل بدهند و ترسیم کنند. همچنین این عوامل می‌توانند در تعریف میزان شایستگی‌ها و صلاحیت‌های نهادهای کنونی (آن چیزی که آنها قادر به انجام آن هستند) نقش قابل ملاحظه‌ای

داشته باشند. با توجه به مجموعه مباحث مطرح‌شده تاکنون می‌توان گفت که هم ترتیبات خاص حاکم بر نهادهای دولتی و هم حاکمیت و غلبه برخی ارزش‌های خاص سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... در جامعه می‌توانند هنگام ارزیابی میزان تعهدات کارگزاران دولتی و سطح اعتماد عمومی به نهادهای سیاسی-اداری، مهم تلقی شوند (North & Weingast, 1989, pp.803-832). در عین حال ارزیابی عملکرد اقتصادی به ارزیابی میزان قابلیت‌های نهادی نیز مربوط خواهد بود. به عبارت بهتر عملکرد اقتصادی به آنچه که نهادهای عمومی می‌توانند انجام دهند، مربوط می‌گردد.

نکته‌ای که به طور خاص در ارزیابی میزان قابلیت اعتماد نهادی دارای اهمیت می‌باشد، تأثیر عنصر فساد بر یک جامعه است. به طور کلی بروز فساد در انواع مختلف آن موجب می‌شود برخی افراد یا گروه‌های ویژه دسترسی بیشتری به نهادهای سیاسی-اداری جامعه داشته باشند و یا در مقایسه با دیگران از فعالیت‌ها و حاصل کار نهادهای مزبور نتایج بهتری نصیب آنان شود. فساد همچنین باعث تضعیف و تخریب شایستگی‌های نهادی می‌شود.

۸- مدل مفهومی پژوهش



شکل شماره (۲) - الگوی مفهومی

حوزه مباحث مربوط به اعتماد سیاسی، فساد اقتصادی و ارتباط میان آنها انجام خواهد شد. (ب) **قلمرو مکانی:** قلمرو مکانی این تحقیق محدود به شهر تهران بوده است.

(ج) **قلمرو زمانی:** پژوهش حاضر محدود به دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ بوده است. به عبارت دیگر بازه زمانی مد نظر پژوهشگر برای سنجش ادراک (نگرش) افراد ناظر بر پنج سال مذکور می باشد که دولت در آن فعالیت داشته است و از لحاظ قدرت سیاسی و اجرایی نوعی استمرار حاکمیت را شاهد بوده ایم (زمان اجرای مراحل عملی تحقیق نیز در حدود زمانی سال های ۸۹-۱۳۸۸ می باشد).

۱۱- روش و نوع تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی است، زیرا در پی آن است که تصویری مبتنی بر واقعیت را از چگونگی وضعیت موجود ارائه دهد و هر آنچه را که مشاهده می شود، بی کم و کاست توصیف نماید. با عنایت به اینکه جامعه

۹- فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی

بین وضعیت مؤلفه های اقتصادی و سطح اعتماد سیاسی در جامعه، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی

بین نحوه ادراک مردم از میزان ثبات اقتصادی و سطح اعتماد سیاسی در جامعه، رابطه معناداری وجود دارد.

بین نحوه ادراک مردم از وضعیت شاخص های اقتصادی و سطح اعتماد سیاسی در جامعه، رابطه معناداری وجود دارد.

بین نحوه ادراک مردم از میزان فساد مالی (اقتصادی) و سطح اعتماد سیاسی در جامعه، رابطه معناداری وجود دارد.

۱۰- قلمروی پژوهش

قلمروی پژوهش در هر کار تحقیقاتی شامل سه حوزه اصلی می باشد.

می‌تواند از نتایج این تحقیق در جهت بهبود نقاط ضعف احتمالی و تقویت نقاط قوت بهره‌برداری نماید، این تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی به حساب می‌آید. در عین حال پژوهش حاضر تلاش دارد تا الگویی توسعه‌یافته و بومی برای عوامل مؤثر بر اعتماد عمومی به دولت در کشور ایران طراحی کند و از این جهت به گسترش مرزهای دانش موجود در این حوزه کمک می‌نماید. این پژوهش به لحاظ ماهیت و هدف از نوع توسعه‌ای- کاربردی (الگوسازی) و از نظر روش مبتنی بر استراتژی پیمایش است.

۱۲- جامعه و نمونه آماری

همان‌طور که اشاره شد، قلمرو این پژوهش محدود به شهر تهران بوده است، اما به دلیل عدم همکاری شهروندان در قالب بلوک‌بندی‌های صورت‌گرفته در سطح شهر تهران، محقق از سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی که جهت همکاری در این طرح پژوهشی اعلام آمادگی نمودند، به عنوان خوشه‌های آماری استفاده نمود. به همین علت از لحاظ تعمیم‌پذیری، نتایج حاصل از این تحقیق محدود به همین سازمان‌ها و یا نهایتاً محدود به شهر تهران خواهد بود. سازمان‌های حاضر در این طرح

پژوهشی مشتمل بر وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش مناطق ۶ و ۷ تهران، شرکت داروسازی شفا، یک شرکت خدمات مسافرتی و حمل و نقل، ستاد گروه بهمن، شرکت بیمه ملت و دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی بوده‌اند که نمونه آماری از میان جامعه فوق به صورت تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه نهایی حاصل از پنل دلفی در میان آنان توزیع شده است.

در این پژوهش به دلیل عدم همکاری مورد نیاز از سوی ساکنان بلوک‌ها و شهروندان در سطح شهر تهران و با توجه به التهاب اوضاع سیاسی- اجتماعی حاکم در بازه زمانی اجرای میدانی تحقیق، گستردگی قلمرو مکانی پژوهش و نیز دیگر محدودیت‌های پیش روی پژوهشگر جهت تکمیل تعداد کافی و قابل اطمینان از پرسشنامه‌های تحقیق، ترجیح داده شد تا از خوشه‌های قابل دسترسی استفاده شود که این امر به علت موضوع ویژه تحقیق و نوع خاص سؤالات آن، شرایط ملتهب سیاسی- اجتماعی مورد اشاره و عدم اعتماد و بی‌میلی بسیاری از شهروندان تهرانی برای همکاری در این طرح پژوهشی از یک سو و اهمیت کسب پاسخ‌های دقیق و غیر سوگیرانه از طرف دیگر بوده است. ناگزیر محقق با استفاده از روش غیر احتمالی، بخشی از

است. ضمناً با استفاده از نگاره حجم نمونه مورگان تعداد نمونه در جوامع با حجم زیاد (بزرگ و گسترده) ۳۸۴ نفر به دست می‌آید که با حجم نمونه به دست آمده از طریق فرمول‌های آماری هنگامی که حجم جامعه آماری نامحدود باشد، مطابقت دارد. به این ترتیب بنای پژوهشگر بر آن بوده است که تعداد پرسشنامه‌های مورد استناد در این پژوهش حداقل مذکور را پوشش دهد. در نهایت کار توزیع پرسشنامه‌ها توسط پژوهشگر تا جایی ادامه یافت که ۴۰۵ پرسشنامه قابل استفاده، از میان پرسشنامه‌های بازگشت داده شده از طرف نمونه‌ها جمع‌آوری گردید. برای محاسبه تعداد نمونه مورد نیاز برای انجام محاسبات در مورد هر یک از سازمان‌ها از فرمول زیر استفاده شد که شرح جزئیات محاسبات مربوط به تفکیک سازمان‌ها به شرح زیر می‌باشد:

$$n = \frac{NZ \frac{\alpha^2}{2} pq}{\varepsilon^2 (N - 1) + Z \frac{\alpha^2}{2} pq}$$

که در آن

P: برآورد نسبت صفت متغیر؛ $P = q = 0.5$

Z: متغیر نرمال واحد متناظر با سطح

اطمینان ۹۵ درصد؛ $Z_{\alpha/2} = 1.96$

ε : مقدار اشتباه مجاز؛ $\varepsilon = 0.05$

N: جامعه آماری

سازمان‌های حاضر به همکاری در شهر تهران (قلمرو مکانی تحقیق) را به عنوان جامعه آماری برگزید. به منظور پرهیز از سوگیری ناشی از حضور یک طیف خاص از سازمان‌ها تلاش شد تا نمونه آماری حتی‌المقدور دارای تنوع بوده و از میان هر دو طیف سازمان‌های دولتی و خصوصی (در رده‌های مختلف مدیریتی و کارشناسی) و به طور تصادفی انتخاب شوند. افزون بر آن نمونه‌ای از مراجعه‌کنندگان مردمی به سازمان‌های دولتی به همراه نمونه‌ای از دانشجویان نیز به این جمع اضافه شدند و در مجموع نمونه آماری پژوهش را تشکیل دادند. لذا اگرچه جامعه آماری پژوهش و نمونه برآمده از آن در نگاه نخست تاحدودی پراکنده و ناهمگون به نظر می‌رسد، اما با وجود محدودیت‌های ذکر شده نحوه چینش جامعه آماری موجب می‌شد تا پژوهشگر به علت ماهیت چندگانه و ترکیبی آن (دولتی، خصوصی، کارمند، ارباب رجوع، دانشجو و...) تا حدودی بیشتر بتواند به داده‌ها و نتایج به دست آمده اطمینان کند و آن را نماینده طیف‌های مختلف مردم شهر تهران بداند. روش کار نیز بدین ترتیب بود که پژوهشگر در مدت تحقیق در ساعات متفاوت کاری و به صورت اتفاقی به هر یک از محل‌های مربوط مراجعه و نسبت به توزیع تصادفی پرسشنامه در میان افراد و سپس جمع‌آوری آن اقدام نموده

طبق فرمول فوق فراوانی نمونه مورد نیاز در مورد کارشناسان وزارت رفاه و تأمین

اجتماعی برابر ۶۵ نفر می‌باشد که شرح محاسبات آن به صورت زیر است:

$$n = \frac{79 \times 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2 (79 - 1) + 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5} = 65$$

فراوانی نمونه مورد نیاز در مورد شرکت خدمات مسافرتی ۲۹ نفر می‌باشد که شرح

محاسبات آن به صورت زیر است:

$$n = \frac{32 \times 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2 (32 - 1) + 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5} = 29$$

فراوانی نمونه مورد نیاز در مورد دانشجویان ۱۲۵ نفر می‌باشد که شرح

محاسبات آن به صورت زیر است:

$$n = \frac{187 \times 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2 (187 - 1) + 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5} = 125$$

فراوانی نمونه مورد نیاز در مورد تعداد مراجعات مردمی در طی یک ماه ۶۹ نفر

می‌باشد که شرح محاسبات آن به صورت زیر است:

$$n = \frac{85 \times 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2 (85 - 1) + 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5} = 69$$

فراوانی نمونه مورد نیاز در مورد کارکنان آموزش و پرورش ۵۹ نفر می‌باشد که شرح

محاسبات آن به صورت زیر است:

$$n = \frac{70 \times 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2 (70 - 1) + 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5} = 59$$

فراوانی نمونه مورد نیاز در مورد شرکت داروسازی شفا ۱۵ نفر می‌باشد که شرح

محاسبات آن به صورت زیر است:

$$n = \frac{16 \times 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2 (16 - 1) + 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5} = 15$$

فراوانی نمونه مورد نیاز در مورد شرکت داروسازی شفا ۱۳ نفر می‌باشد که شرح

محاسبات آن به صورت زیر است:

$$n = \frac{14 \times 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2 (14 - 1) + 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5} = 13$$

فراوانی نمونه مورد نیاز در مورد شرکت بیمه ملت ۳۰ نفر می‌باشد که شرح محاسبات آن

به صورت زیر است:

$$n = \frac{33 \times 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2 (33 - 1) + 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5} = 30$$

نگاره شماره (۲) - وضعیت نمونه‌ها

درصد فراوانی نمونه از کل جامعه	فراوانی نمونه	فراوانی جامعه مورد استناد	نمونه
۱۶	۶۵	۷۹	کارشناسان وزارت رفاه
۷/۲	۲۹	۳۲	شرکت خدمات مسافرتی و حمل و نقل
۳۰/۹	۱۲۵	۱۸۷	دانشجویان
۱۷	۶۹	۸۵	مراجعات مردمی به سازمان‌ها
۱۴/۶	۵۹	۷۰	کارکنان آموزش و پرورش
۳/۷	۱۵	۱۶	شرکت داروسازی شفا
۳/۲	۱۳	۱۴	مدیران ستاد گروه بهمن
۷/۴	۳۰	۳۳	کارشناسان ستاد بیمه ملت
۱۰۰	۴۰۵	۵۱۶	جمع

۱۳- ابزارهای گردآوری داده‌ها

از آنجا که روش تحقیق توصیفی-پیمایشی است، به منظور گردآوری داده‌ها و اطلاعات میدانی از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه استفاده شد. لذا برای تدوین مبانی نظری و ادبیات تحقیق از مطالعات و اطلاعات کتابخانه‌ای، اینترنت و سایر منابع فارسی و لاتین و جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات میدانی از ابزار پرسشنامه و مصاحبه استفاده گردیده است.

۱۴- روایی و پایایی ابزار سنجش

ابزار اندازه‌گیری و سنجش در هر تحقیق باید از روایی و پایایی لازم برخوردار باشد تا محقق بتواند داده‌های متناسب با تحقیق را گردآوری نماید و پس از تجزیه و تحلیل این داده‌ها و آزمودن فرضیه‌ها پاسخی مناسب و درخور به سؤالات تحقیق ارائه دهد:

۱۴-۱- روایی ابزار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برای اطمینان از روایی ابزار سنجش روش‌های گوناگونی وجود دارند که در این تحقیق از دو روش بررسی روایی محتوی و روایی سازه استفاده می‌شود. به منظور اطمینان بیشتر از روایی محتوی در ابزار سنجش اقدامات زیر صورت گرفت:

۱. مطالعه کتب و مقالات مربوط به موضوع تحقیق و تعیین اقسام اطلاعاتی لازم
۲. استفاده از ابزار سنجش یا پرسشنامه‌های استاندارد که توسط صاحب‌نظران معتبر و نام‌آشنای مدیریت طراحی و پیش از این در تحقیقات مختلف روایی آن تأیید شده است.
۳. استفاده از نظرات و مشاوره اساتید صاحب‌نظر و خبره در تدوین مدل مفهومی و اصلاح مؤلفه‌ها و گویه‌ها
۴. توزیع اولیه پرسشنامه بین گروه‌های نمونه و استفاده از بازخورها و نظرات اصلاحی آنها
۵. ارائه توضیحات لازم همراه با تحویل پرسشنامه به پاسخ‌دهندگان.

۱۴-۱-۱- تحلیل عاملی تأییدی جهت

بررسی روایی سازه در مدل

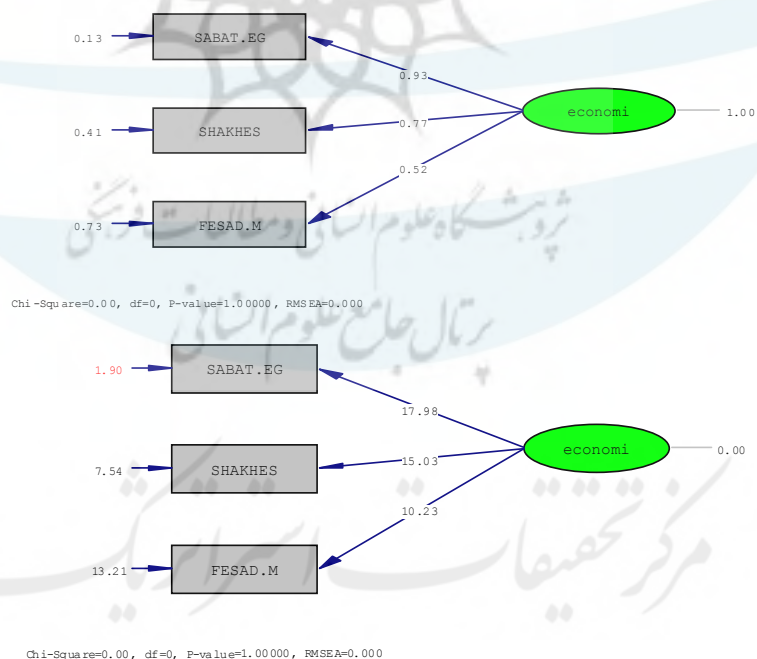
پیش از بررسی کلی مدل و اظهار نظر در مورد فرضیه‌های پژوهش لازم است به منظور بررسی روایی سازه به تحلیل عاملی تأییدی بپردازیم. یکی از روش‌های معتبر علمی برای مطالعه ساختار داخلی یک

می‌گیرد. در این قسمت، روابط بین ابعاد و مؤلفه‌های هر یک از متغیرهای پژوهش ارزیابی می‌شود. نتایج این بررسی‌ها در قالب نگاره‌ها و نگاره‌هایی نشان داده شده‌اند و از این طریق بار عاملی هر شاخص همراه با مقادیر آماره t مربوط مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱۴-۱-۲- مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی (نمایش بارهای عاملی استاندارد و مقادیر آماره T)

مؤلفه‌های مربوط به متغیر عوامل اقتصادی
نگاره‌های زیر نتایج تحلیل عاملی
تأییدی مؤلفه‌های مربوط به متغیر عوامل

مجموعه از شاخص‌ها و اندازه‌گیری روایی
سازه، روش تحلیل عاملی تأییدی است که به
برآورد بار عاملی و روابط بین مجموعه‌ای از
شاخص‌ها و عوامل می‌پردازد. بار عاملی،
معرف همبستگی شاخص با عامل مربوطه
است و مانند هرگونه همبستگی دیگر تفسیر
می‌شود. بر این اساس، هرچه بار یک شاخص
در یک عامل بزرگ‌تر باشد، در تفسیر آن
عامل باید وزن بیشتری به آن شاخص داده
شود (کلاین، ۱۳۸۱). در اینجا، روایی سازه
ابعاد مختلف الگوی عملیاتی پژوهش و
پرسشنامه منتج از آن با استفاده از آزمون
تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار



اقتصادی را نشان می‌دهد. می‌شود، تمامی مؤلفه‌ها از بار عاملی قابل

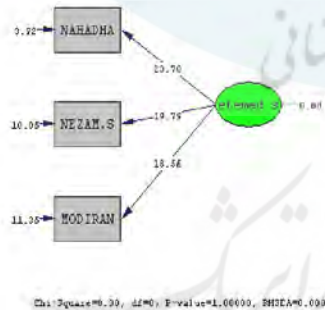
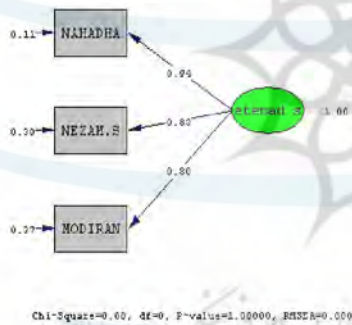
قبولی در رابطه با متغیر مکنون مربوط برخوردارند.

نگاره شماره (۳) - نمایش نوع و مقدار شاخص‌های برازش در مدل تأییدی

نوع شاخص	نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
مؤلفه‌های برازش مدل	RMSEA	۰/۰۰	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
	RMR استاندارد شده	۰/۰۰	کمتر از ۰/۰۵	قابل قبول
بازرسی روابط	GFI	۱	بالاتر از ۰/۹۰	مطلوب
	AGFI	۱	بالاتر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص‌های برازش نسیب	NFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	NNFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	CFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	IFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	RFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب

نگاره شماره (۴) - مقادیر برخی شاخص‌های مهم در تأیید مدل

نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
Chi-Square	۰/۰۰	-	-
df	۰/۰۰	-	-
P-value	۱	بزرگتر از ۰/۰۵	قابل اغماض
RMSEA	۰/۰۰	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
Chi-Square/df	۰/۰۰	کوچکتر از ۴	قابل قبول



ملاحظه می‌شود که تمامی مؤلفه‌ها از بار عاملی قابل قبولی در رابطه با متغیر مکنون برخوردارند.

مؤلفه‌های مربوط به متغیر اعتماد سیاسی

نگاره بعد نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های مربوط به متغیر اعتماد سیاسی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه

نگاره شماره (۵) - نمایش نوع و مقادیر شاخص‌های برازش در مدل تحلیل عاملی

تأییدی

نوع شاخص	نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
مدل	معیارهای برازش کل	RMSEA	کمتر از ۰/۰۸	ایده آل
		RMR	کمتر از ۰/۰۵	-
بrazش مطلق	شاخص‌های برازش مطلق	GFI	بالاتر از ۰/۹۰	-
		AGFI	بالاتر از ۰/۹۰	-
نسبی	شاخص‌های برازش نسبی	NFI	بیشتر از ۰/۹۰	-
		NNFI	بیشتر از ۰/۹۰	-
		CFI	بیشتر از ۰/۹۰	-
		IFI	بیشتر از ۰/۹۰	-
		RFI	بیشتر از ۰/۹۰	-

نگاره شماره (۷) - نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های مربوط به متغیر اعتماد

سیاسی

ردیف	مؤلفه‌های اعتمادسیاسی	T Statistic	بار عاملی
۱	اعتماد به نهادهای سیاسی	۲۳/۷۰	۰/۹۴
۲	اعتماد به نظام سیاسی	۱۹/۷۹	۰/۸۳
۳	اعتماد به مدیران سیاسی	۱۸/۵۶	۰/۸۰

نگاره‌های فوق خلاصه نتایج تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های متغیر اعتماد سیاسی را نشان می‌دهد و بیانگر این مطلب است که در میان مؤلفه‌های مورد بررسی، مؤلفه اعتماد به نهادهای سیاسی با بار عاملی ۰/۹۴ دارای بیشترین تأثیر و مؤلفه اعتماد به مدیران سیاسی با بار عاملی ۰/۸۰ دارای کمترین میزان تأثیر نسبی در تبیین متغیر مکنون می‌باشد.

۱۴-۲- پایایی ابزار

ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده از طریق نرم افزار SPSS برای پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش برای یک نمونه آزمایشی اولیه به تعداد ۳۵ نفر، بسیار مطلوب و در حدود ۹۶ درصد به دست آمده است. بنابراین از آنجایی که میزان این ضریب برای پرسشنامه‌های موجود بیش از ۷۰ درصد به دست آمده است، می‌توان پایایی ابزار را پذیرفت.

نگاره شماره (۶) - مقادیر برخی شاخص‌های مهم در تأیید مدل

نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
Chi-Square	۰/۰۰	-	-
df	۰/۰۰	-	-
P-value	۱/۰۰	بزرگ‌تر از ۰/۰۵	ایده آل
RMSEA	۰/۰۰	کمتر از ۰/۰۸	ایده آل
Chi-Square/df	۰/۰۰	کوچک‌تر از ۴ یا ۲	ایده آل

نگاره شماره (۸) - وضعیت پایایی ابزار

سنجش

ردیف	مفاهیم	تعداد سؤال	α کرونباخ
۱	عوامل اقتصادی	۱۰	۰/۹۰
۲	اعتماد سیاسی	۲۴	۰/۹۶

۱۵- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

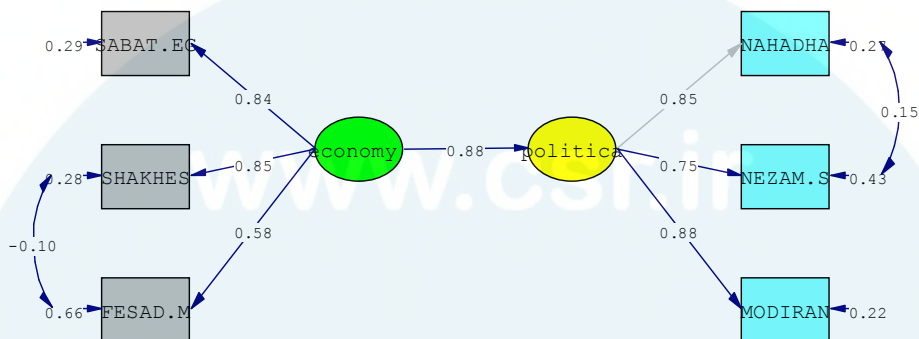
در این پژوهش آزمون‌های آماری اصلی مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها عبارت‌اند از آزمون T برای مقایسه میانگین‌ها، آزمون رگرسیون برای سنجش و مقایسه تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل و ... که در مجموع همگی با استفاده از نرم‌افزارهای آماری *SPSS* انجام گرفته‌اند. همچنین تحلیل عاملی تأییدی برای آزمون اعتبار اجزاء مدل به کمک نرم‌افزار لیزرل صورت می‌گیرد. ضمناً از مدل معادلات ساختاری از نوع تحلیل مسیر در نرم‌افزار لیزرل برای آزمون و تأیید نهایی کل مدل نیز استفاده می‌شود. پس برای آزمون نهایی فرضیه‌های تحقیق و تعیین میزان تأثیر عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی در قالب چند دسته از متغیرهای مستقل فرایندی و زمینه‌ای از رگرسیون، ضرایب همبستگی، و به ویژه از تحلیل مدل معادلات ساختاری و تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار *LISREL* بهره گرفته خواهد شد. از آنجایی که تعداد

نمونه‌های پژوهش بیش از ۳۰ نفر است، با استناد به قضیه حد مرکزی در آمار می‌توان نرمال بودن توزیع مقادیر داده‌ها در نمونه‌های مورد بحث را پذیرفت. می‌توان گفت که داده‌های پژوهش از توزیع نرمال برخوردارند. بنابراین با توجه به اثبات توزیع نرمال داده‌ها در نمونه‌های آماری، جهت آزمون فرضیات تحقیق می‌توانیم از آزمون‌های پارامتریک استفاده کنیم که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۱۶- آزمون فرضیه‌های تحقیق

در این پژوهش یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی مطرح بوده که برای آزمون آنها به تناسب نوع فرضیه و داده‌های گردآوری‌شده، از روش‌های آزمون تحلیل عاملی تأییدی (به عنوان مقدمه‌ای برای ترسیم مدل نهایی)، آزمون تحلیل مسیر (میزان ضریب مسیر و آماره T) و آزمون رگرسیون استفاده شده است. پس از ارائه مدل معادلات ساختاری اصلاحی همراه با نمایش مقدار ضریب مسیر و آماره T برای هر یک از مسیرهای اصلی مدل مزبور نتایج آزمون به ترتیب برای هر یک از فرضیه‌ها بیان می‌شود.

مدل معادلات ساختاری (نمایش ضرایب مسیر در مدل نهایی)

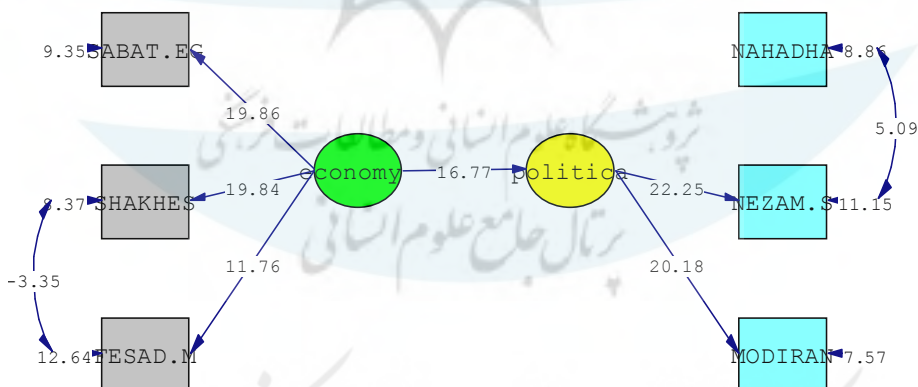


Chi-Square=12.05, df=6, P-value=0.06078, RMSEA=0.050

۱۶-۱- آزمون فرضیه اصلی با توجه

به مقادیر t (نمایش مقادیر آماره t

در مدل نهایی)



Chi-Square=12.05, df=6, P-value=0.06078, RMSEA=0.050

نگاره شماره (۱۰) - مقادیر برخی شاخص‌های مهم در تأیید مدل

نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
Chi-Square	۱۲/۰۵	-	-
df	۶	-	-
P-value	۰/۰۶	بزرگ‌تر از ۰/۰۵	قابل اغماض
RMSEA	۰/۰۵	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
Chi-Square/df	۲/۰۰۸	کوچک‌تر از ۴	قابل قبول

نگاره شماره (۱۱) - میزان ضریب و آماره t در مسیر اصلی مدل معادلات ساختاری

ضریب مسیر	T Statistic	مؤلفه‌های عوامل راهبردی	ت. q ^۲
۰/۸۸	۱۶/۷۷	عوامل اقتصادی به اعتماد سیاسی	۱

همان‌گونه که از نتایج مندرج در جداول فوق استنباط می‌شود، شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری (مشمول بر شاخص‌های برازش کل مدل، شاخص‌های برازش مطلق و شاخص‌های برازش نسبی) پس از انجام برخی اصلاحات جزئی در مدل اولیه در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند. لذا انطباق الگوی کلی پژوهش با داده‌های گردآوری شده در تحقیق حاضر رد نمی‌شود. همچنین ملاحظه می‌شود که میزان RMSEA یا خطای دوم تقریب میانگین در حد قابل قبولی قرار دارد و مقدار محاسبه شده نسبت Chi-Square/df نیز

نگاره شماره (۹) - نمایش نوع و مقادیر شاخص‌های برازش در مدل معادلات ساختاری (لیزرل)

نوع شاخص	نام شاخص	مقدار محاسبه شده	مقدار مطلوب (قابل قبول)	نتیجه
معیارهای برازش کل مدل	RMSEA	۰/۰۵	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
	RMR استاندارد شده	۰/۰۱۸	کمتر از ۰/۰۵	قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	GFI	۰/۹۹	بالاتر از ۰/۹۰	مطلوب
	AGFI	۰/۹۷	بالاتر از ۰/۹۰	مطلوب
شاخص‌های برازش نسبی	NFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	NNFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	CFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	IFI	۱	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب
	RFI	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹۰	مطلوب

نسبتاً مطلوب است. از همین رو می‌توان گفت مدل تحقیق از برازندگی مناسبی برخوردار است. در نهایت با مطالعه نگاره آخر مشخص است که در مسیر اصلی مدل پژوهش میزان ضریب مسیر بالای ۰/۳ و قدر مطلق آماره T نیز بیشتر از عدد ۲ می‌باشد. به این ترتیب فرضیه اصلی این پژوهش تأیید می‌شود.

۱۶-۲- آزمون فرضیات فرعی تحقیق

به منظور عملیاتی کردن و آزمون هر یک از فرضیات فرعی تحقیق نیز از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شده است. نتایج آزمون رگرسیون چندگانه برای هر دسته از متغیرها به شرح زیر می‌باشد:

جدول شماره (۱۲) - تأثیر سه مؤلفه فرعی عوامل اقتصادی بر متغیر وابسته اعتماد سیاسی (آزمون رگرسیون چندگانه)

متغیرها	مورد	ضریب تعیین (مجدور ضریب همبستگی کلی) R^2	ضریب همبستگی کلی (R)	ضرایب همبستگی استاندارد تفکیک شده (Beta)	درصد تبیین توسط متغیرهای مستقل	درصد تبیین توسط سایر متغیرها	سطح معناداری کلی	سطح معناداری به تفکیک sig.(2-tailed)
ثبات اقتصادی وضعیت شاخص‌های مهم اقتصادی وضعیت فساد مالی (اقتصادی)	ثبات اقتصادی	۰/۵۵	۰/۷۴	۰/۳۴۶	۰/۳۷	۰/۳۰	۰/۰۰	۰/۰۰
	وضعیت شاخص‌های مهم اقتصادی			۰/۳۳۱				۰/۰۰
	وضعیت فساد مالی (اقتصادی)			۰/۱۹۶				۰/۰۰

در صورتی که تأثیر همزمان مؤلفه‌های عوامل اقتصادی را بر متغیر اعتماد سیاسی صفر در مورد هر سه مؤلفه ثبات اقتصادی، وضعیت شاخص‌های مهم اقتصادی و فساد

اتفاقی یا تصادفی نسبت داد که احتمالاً در این مدل مورد ملاحظه قرار نگرفته‌اند. در نهایت می‌توان گفت که در سطح خطای $0/01$ فرض H_0 در مورد هر سه فرضیه فرعی اول، دوم و سوم رد و فرض مقابل (فرض H_1 یا فرض تحقیق) تأیید می‌گردد. بنابراین سه فرضیه فرعی تحقیق در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شوند.

۱۷- نتیجه‌گیری و تحلیل

یافته‌ها

این مقاله در پی آن بود که میزان و چگونگی تأثیر متغیرهای مهم اقتصادی را بر سطح اعتماد سیاسی را در یک جامعه خاص یعنی نحوه قضاوت و جهت‌گیری مردم نسبت به نظام، نهادها و کارگزاران سیاسی را مورد کنکاش و موشکافی قرار دهد. با عنایت به تأیید فرضیه اصلی می‌توان گفت که یافته‌های پژوهش در راستای تأیید کلی رهنمودهای حاصل از مرور پیشینه و نتایج به دست‌آمده توسط پژوهشگران قبلی است. به عبارت بهتر نتیجه این تحقیق مؤید آن است که عوامل راهبردی محیطی (از جمله عوامل اقتصادی) می‌توانند در کنار عملکرد جاری یک دولت، به عنوان وزنه‌ای مهم و شایان توجه در تعیین میزان اعتماد عمومی به دولت نقش ایفا کنند. لذا کاملاً بجاست که از

مالی (اقتصادی) تأیید می‌شود و نیازی به خروج آنها از معادله رگرسیون نیست. یعنی اثرگذاری خطی آنها در این مدل رگرسیونی به صورت تفکیکی و مستقل تأیید می‌شود. طبق نتایج به دست‌آمده از این جداول هرگاه تأثیر مؤلفه‌های عوامل اقتصادی را بر متغیر اعتماد سیاسی در قالب یک معادله رگرسیونی محاسبه نماییم، سه متغیر ثبات اقتصادی، وضعیت شاخص‌های مهم اقتصادی و فساد مالی (اقتصادی) به ترتیب مؤثرترین عوامل بر نوع نگرش مردم در زمینه اعتماد سیاسی به شمار می‌روند. همچنین به ازای یک واحد تغییر (بهبود) در عامل ثبات اقتصادی حدود ۳۴ درصد تغییر (بهبود) در متغیر اعتماد سیاسی ایجاد می‌شود و در ازای یک واحد تغییر (بهبود) در عامل وضعیت شاخص‌های مهم اقتصادی حدود ۳۳ درصد تغییر (بهبود) در متغیر اعتماد سیاسی را شاهد هستیم و در ازای یک واحد تغییر (بهبود) در عامل فساد مالی (اقتصادی) از نگاه مردم حدود ۱۹ درصد تغییر (بهبود) در متغیر اعتماد سیاسی ملاحظه می‌گردد. ضمناً حدود ۳۷ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی توسط متغیرهای مستقل این مدل تبیین می‌شود و حدود ۳۰ درصد از تغییرات در متغیر مزبور را نیز می‌توان به سایر متغیرهای

هم‌اکنون تحقیقاتی در خصوص بررسی نقش احتمالی دیگر عوامل راهبردی در تبیین سطح اعتماد سیاسی در جامعه مد نظر اندیشمندان علاقه‌مند به این حوزه قرار گیرد (مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیک). این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که به طراحی و ارائه مدل‌های کامل‌تر در این زمینه کمک مؤثری خواهد نمود و پژوهشگران را از یک‌جانبه‌نگری در زمینه اعتماد سیاسی رهایی و لذا درک ما را از عوامل کلی مؤثر بر این متغیر فزونی می‌بخشد. همچنین یافته‌ها گویای آن بودند که سه مؤلفه ثبات اقتصادی، وضعیت شاخص‌های مهم اقتصادی و فساد مالی (اقتصادی) که در این تحقیق مطرح شدند به ترتیب اولویت مؤثرترین عوامل بر نوع نگرش مردم در زمینه اعتماد سیاسی به شمار می‌روند.

از یک منظر شاید بتوان گفت بیش از هر چیز وجود امنیت و ثبات در فضای کسب و کار جامعه و پایداری در شرایط اقتصادی کشور مردم را نسبت به آینده خود، خانواده و جامعه و نیز کارآمدی و پاسخگویی عملی دولت در یکی از عرصه‌های مهم زندگی امیدوار، مطمئن و دلگرم می‌سازد. با عنایت به نتایج تحقیقات هافستد و برخی

پژوهش‌های دیگر که حاکی از ابهام‌گریزی و اجتناب از عدم اطمینان نزد مردم ایران و نیز عدم ریسک‌پذیری زیاد آنها به ویژه در زمینه مسائل مالی و اقتصادی است، نتیجه مذکور بیشتر قابل تأمل است.

عامل دوم شاخص‌های مهم اقتصادی نظیر نرخ بیکاری، تورم، نرخ اقلام عمده اقتصادی همچون مسکن، مواد غذایی، پوشاک و به طور کلی شاخص‌های رفاه اقتصادی و اجتماعی است. این امور از آن جهت اهمیت دارند که عموم مردم در زندگی روزمره خود به نوعی با آنها درگیرند و تغییرات هر چند اندک این شاخص‌ها برایشان کاملاً ملموس است؛ چرا که اثرات آن را در زندگی خود و خانواده به خوبی احساس نموده و خواسته یا ناخواسته با استناد به آنها در خصوص توانمندی‌ها و شایستگی‌های دولتمردان به قضاوت می‌نشینند. البته توجه به این نکته خالی از لطف نیست که در صورت نبود عامل اول (یعنی ثبات و پایداری اقتصادی) نوسانات یا بهبود مقطعی شاخص‌های کلان اقتصادی چندان راهگشا و سودمند نخواهد بود. در نهایت با لحاظ حساسیت‌های مردمی در ایران در خصوص وجود فساد مالی و اقتصادی در دستگاه‌های سیاسی-اداری تأیید

فرضیه فرعی سوم دور از ذهن نمی‌باشد و تأکید مجددی است بر اینکه جلب اعتماد مردم به دولت و نهادهای سیاسی نیازمند مبارزه جدی، پیگیر و به دور از شعارزدگی با پدیده‌هایی همچون رانت‌خواری، پارتی‌بازی و فساد اداری و ریشه‌کنی آن به ویژه در میان مدیران است. جالب آنکه در بسیاری از موارد ممکن است نوعی رابطه درونی احتمالی بین این سه مؤلفه وجود داشته باشد که نباید آن را از نظر دور داشت. برای نمونه شاید بتوان یکی از علل آشفتگی و عدم پایداری در حوزه اقتصادی و نامناسب بودن شاخص‌های عمده این بخش را به وجود یا نهادینه‌شدن فساد مالی و اداری در سطوح مختلف جامعه نسبت داد که لازم است درباره آن تحقیقات بیشتری انجام شود.

فرجام

پیشنهادهای تحقیق

اشاره شد که میزان ثبات اقتصادی، وضعیت شاخص‌های مهم اقتصادی و فساد مالی (اقتصادی) به ترتیب مؤثرترین عوامل اقتصادی بر میزان اعتماد عمومی به دولت هستند، لذا می‌بایست برای بهبود وضعیت این شاخص‌های اقتصادی برنامه‌ریزی شود تا بر سطح اعتماد مردم نسبت به نهادهای مذکور تأثیر منفی نگذارند. مردم باید

احساس کنند که فعالیت‌های اقتصادی در کشورشان از اطمینان و قابلیت پیش‌بینی لازم برخوردار است و این مستلزم آن است که قیمت کالاها و خدمات در کشور دارای ثبات و ضابطه‌مند باشد. همچنین توصیه می‌شود در زمینه اصلاح شاخص‌های مهم اقتصادی، مهار تورم و بیکاری و بهبود سطح درآمد و معیشت مردم برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در دستور کار دولت قرار گیرد. افزون بر آن بررسی و ریشه‌یابی عوامل مؤثر بر ایجاد فساد مالی و اداری و تلاش ملموس برای رفع آنها بسیار راهگشا خواهد بود. البته ادراک مردم از یک پدیده یا نوع نگرش آنها نسبت به آن در مقابل وضعیت واقعی حاکم بر یک متغیر، دو موضوع مرتبط و در عین حال متفاوت هستند. به عبارت بهتر ممکن است وضعیت واقعی یک متغیر در جامعه مطلوب باشد، اما نگرش عمومی یا ادراک مردم از آن عامل چندان مطلوب نباشد و یا حتی نگاه آنان کاملاً نامساعد باشد و بر عکس ممکن است وضعیت جاری متغیر دیگری نامطلوب باشد، اما نگرش یا ادراک عمومی نسبت به آن پدیده چندان نامطلوب نباشد (مثل شرایط فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی حاکم در یک جامعه).

باید توجه داشت که یافته‌های محققان رفتار سازمانی در این زمینه حاکی از آن

است که آنچه مبنای رفتار و مواضع مردم قرار می‌گیرد، لزوماً وضعیت واقعی متغیرها یا شرایط واقعی حاکم بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، جامعه و ... نیست، بلکه ادراک آنها نسبت به پدیده‌ها یا موضوعات مختلف مبنای تفکر، رفتار و عمل آنها قرار می‌گیرد. لذا توصیه می‌شود سازمان‌های دولتی صرفاً به نحوه انجام کار و یا اداره امور توجه نکنند، بلکه به همان اندازه نیز نسبت به بازتاب فعالیت‌های خود در افکار عمومی و نوع نگاه، برداشت یا ادراک مردم از فعالیت‌ها و خدمات خود توجه داشته باشند و دلایل بهبود یا تنزل در این زمینه را به دقت مورد موشکافی قرار دهند.

برای نمونه فساد مالی و اقتصادی به عنوان یکی از عوامل بسیار مؤثر بر کاهش اعتماد مردم به دولت‌ها و نظام‌های سیاسی در کشورهای مختلف شناخته شده است. اما ادراک مردم از میزان وجود و گسترش پدیده فساد در هر جامعه بیش از میزان فساد واقعی حاکم در یک کشور اهمیت دارد، زیرا مبنای قضاوت و رفتار مردم را نوع نگرش کنونی آنها تشکیل می‌دهد، نه واقعیات مفروض. طبعاً بهبود وضعیت جاری این متغیرهای مهم اقتصادی در هر کشور به افزایش اعتماد عمومی به دولت و دستگاه‌های اجرایی کمک

می‌کند و در نهایت اعتماد سیاسی را در جامعه ارتقا خواهد بخشید.

در این زمینه توجه بیشتر به موارد زیر توصیه می‌گردد: تلاش برای ایجاد اطمینان و قابلیت پیش‌بینی لازم در فعالیت‌های اقتصادی در کشور (به ویژه ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی)؛ پایدار ساختن اقتصاد کشور در مقابل شوک‌ها و فشارهای اقتصادی احتمالی و به ویژه امواج روانی ناشی از آن؛ ضابطه‌مندی قیمت کالاها و خدمات در کشور (به ویژه کالاها و خدمات اساسی)؛ مهار اصولی و پایه‌ای نرخ تورم در کشور (به ویژه در گروه‌های اصلی نظیر مسکن، خوراک، پوشاک، حمل و نقل و ...)؛ تلاش برای بهبود وضعیت اشتغال در جامعه از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی کافی و مناسب برای جوانان کشور؛ کوشش برای افزایش سطح کلی درآمد خانوارها برای تأمین هزینه‌های اصلی زندگی از قبیل مسکن، خوراک، پوشاک، گردش و تفریح، آموزش و غیره؛ ایجاد تعادل و تناسب بین شاخص‌های زندگی شخصی و زندگی کاری (افزایش کیفیت زندگی کاری)، و برنامه‌ریزی و اقدام جهت توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت در جامعه و رفع تبعیض‌ها.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

در این قسمت جهت استفاده پژوهشگرانی که احتمالاً در آینده در مورد بحث اعتماد عمومی یا موضوعات مربوط به آن پا به عرصه تحقیق و پژوهش می‌گذارند، پیشنهادهایی به عنوان زمینه پژوهش مطرح می‌شود:

۱. طراحی و آزمون سایر مدل‌های مطرح‌شده در حوزه اعتماد سیاسی و اعتماد عمومی به ویژه مدل‌هایی که عمدتاً در سال‌های اخیر به جامعه علمی معرفی شده‌اند و مقایسه آنها با الگوی ارائه‌شده در این پژوهش به منظور غنی‌تر ساختن ادبیات کنونی تحقیق؛

۲. بررسی سایر عوامل احتمالی مؤثر در افزایش یا کاهش اعتماد عمومی و تکمیل یا اصلاح مدل ارائه‌شده در این پژوهش (برای مثال وارد ساختن عواملی نظیر کارآیی، اثربخشی، عملکرد و ... در کنار عامل پاسخگویی و تأثیر میزان و نحوه اثر آنها یا بررسی در مورد دیگر عوامل راهبردی محیطی و تکمیل و اصلاح طبقه‌بندی صورت‌گرفته در خصوص این عوامل)؛

۳. تحقیق حاضر با استفاده از روش‌های کمی و به طور مشخص پیمایش انجام‌شده

است. به پژوهشگران آینده توصیه می‌شود با بهره‌گیری از روش‌های کیفی نظیر مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی، تحلیل محتوی، مطالعه موردی، تحقیق داده بنیان یا سایر روش‌های مربوط چنین تحقیقی را انجام دهند و ضمن ارائه الگوهای جدیدتر نتایج حاصل از تحقیقات مذکور را با نتایج به دست‌آمده از این تحقیق و تحقیقات پیشین مقایسه نمایند.

۴. گسترش جامعه آماری چنین تحقیقاتی به کلیه مناطق تهران یا سایر شهرهای کشور و مقایسه تطبیقی مناطق با یکدیگر جهت قضاوت دقیق و علمی‌تر پیرامون سطح اعتماد عمومی به دولت؛

۵. شناسایی و کنترل متغیرهای مداخله‌گر، فرعی یا مزاحم که در روند انجام چنین تحقیقی خلل وارد می‌آورند و استفاده از تدابیر خاص برای کنترل این‌گونه متغیرها؛

۶. پیش از این اشاره شد که وضعیت واقعی برخی متغیرها در جامعه و طرز تلقی برداشت یا نگرش مردم در مورد این عوامل دو بحث متفاوت‌اند. آنچه که اهمیت دارد، ادراک عمومی در مورد وضعیت کنونی این عوامل است، نه واقعیت موجود، زیرا ادراک یا طرز تلقی افراد مبنای داوری یا رفتار آنان در خصوص موضوعات روز جامعه است. بنابراین

توصیه می‌شود که پژوهشگران آینده ادراک عمومی در مورد متغیرهای چنین تحقیقاتی

را بررسی و آن را با واقعیت‌های موجود در جامعه مقایسه کنند. در صورت وجود اختلاف معنادار بین این دو مقوله می‌توان پژوهش‌هایی را برای شناخت عوامل مؤثر بر این امر و ریشه‌یابی جهت کشف چگونگی و چرایی این مشکل طراحی و اجرا نمود.

۷. بر پایه نظریات موجود و یافته‌های برخی پژوهش‌های پیشین مردم ایران اصولاً به حوزه سیاست و فعالیت دولت‌ها چندان خوشبین و معتمد نیستند. برای نمونه می‌توان به تردید و پرهیز دائمی مردم ایران از شفاف‌سازی درآمدهای مربوط به فعالیت‌های اقتصادی خانواده (به ویژه در برابر دولت‌ها و برای فرار از پرداخت مالیات واقعی به دولت) اشاره کرد که ظاهراً در بی‌اعتمادی آنها نسبت به دولت‌ها و عدم اطمینان آنان از هزینه‌کرد مناسب این منابع توسط دولت (برای افزایش رفاه اجتماعی) ریشه دارد. به نظر می‌رسد این یک مشکل فرهنگی است و در تاریخ گذشته کشور ایران و وجود حکومت‌های خودکامه پادشاهی در طول قرن‌های گذشته ریشه دارد. لذا پیشنهاد می‌شود که توسط متخصصان امر در این زمینه بررسی‌های بیشتری صورت پذیرد

و برای برون‌رفت از این معضل و جلب اعتماد مردم به دولت‌ها چاره‌اندیشی شود.

محدودیت‌های پژوهش

هر پژوهش با تنگناها و عوامل محدودیت‌زا مواجه است. این تحقیق نیز از این قاعده برکنار نبوده است. برخی از مهم‌ترین این موانع و محدودیت‌ها به شرح زیر هستند:

۱. محدودیت‌های زمانی حاکم بر تحقیق (چه از نظر فرصت مشخص برای به پایان رسیدن تحقیق و چه از لحاظ شرایط و اوضاع و احوال ملت‌هپ سیاسی - اجتماعی حاکم در جامعه در بازه زمانی اجرای این پژوهش که نمونه‌گیری کاملاً متناسب و تصادفی و جلب همکاری و دریافت پاسخ صحیح از افراد را دشوار می‌ساخت).

۲. محدودیت در روایی بیرونی یا قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها که با توجه به ناگزیر بودن پژوهشگر در استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. لذا هرگونه تعمیم سریع نتایج حاصل از این پژوهش به جوامع آماری

منابع فارسی

۱. حیدری، سیامک (۱۳۸۷)، *عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی به حکومت در میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۱)، *اعتماد به دولت؛ بازتاب عملکرد سیستم خدمات عمومی، فصلنامه مدیریت و توسعه*، شماره ۱۳.
۳. شایگان، فریبا (۱۳۸۶)، *دینداری و تأثیر آن بر اعتماد سیاسی*، پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. گلایی، فاطمه (۱۳۸۳)، *نقش اعتماد اجتماعی در امر توسعه، با تأکید بر عملکرد نقش شورای اسلامی*، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

منابع لاتین

5. Alesina, Alberto, and Romain Wacziarg, (2000), "The Economics of Civic Trust", In *Disaffected Democracies. What's Troubling the Trilateral Countries?*, Edited by S. J. Pharr and R. D. Putnam. New Jersey: Princeton University Press.
 6. Bretzer, Noreen, (2002), *How Can Institutions Better Explain Political Trust than Capitals Do?*, PHD Thesis, University of Gothenburg, Sweden.
 7. Clarke, Harold D., Nitish Dutt, and Allan Kornberg, (1993), "The Political Economy of Attitudes towards Polity and Society in
- بزرگ‌تر می‌بایست با احتیاط کامل همراه باشد.
۳. تردید یا عدم تمایل سازمان‌ها و افراد جهت همکاری با پژوهشگر و یا عدم همکاری کامل آنها (به دلایل مختلفی مثل ترس از کنترل شدن یا برملا شدن نظرات و دیدگاه‌ها)؛
۴. محدودیت‌های ذاتی ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات کامل و دقیق (احتمال عدم ارائه اطلاعات صحیح و دقیق و یا تحریف حقایق توسط آزمودنی‌ها به دلایل مختلف)؛
۵. محدودیت و دشواری کنترل وضعیتی که افراد در آن وضعیت به پرسش‌ها پاسخ می‌دهند (دشواری محقق در کنترل متغیرهای فرعی، مداخله‌گر و مزاحم احتمالی)؛
۶. عوامل مهم دیگری نیز می‌توانند به عنوان عوامل مهم تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی منظور شوند که در این مقاله به دلیل محدودیت موضوع بدان‌ها پرداخته نشد و می‌توان آنها را موضوع پژوهش‌های آینده در این زمینه قرار داد.

16. Larson Larsake, (2007) ,"Public Trust in the PR Industry and Its Actors", *Journal of Communication Management*, Vol.11 No.3.
17. Levi, Margaret and Laura Stoker, (2000), "Political Trust and Trustworthiness", *Annual Review of Political Science* 3.
18. Levi, Margaret (1998), "A State of Trust", In *Trust and Governance*, edited by V. Braithwaite and M. Levi. New York: Russell Sage Foundation.
19. McAllister, Ian. (1999), "The Economic Performance of Governments", In *Critical Citizen., Global Support for Democratic Government*, edited by P. Norris. Oxford: Oxford University Press.
20. Miller, Arthur H. (1974). "Political Issues and Trust in Government: 1964-1970", *American Political Science Review* 68 (3).
21. Mishler, William & Richard Rose, (2001), "What are the Origins of Political Trust? Testing Institutional and Cultural Theories in Post-Communist Societies", *Comparative Political Studies* 34 (1).
22. Newton, Kenneth (2007), "Social and Political Trust", In *The Oxford Handbook of Political Behavior*, edited by R. J. Dalton and H.-D. Klingemann, Oxford: Oxford University Press.
23. North, Douglass C. and Barry R. Weingast, (1989), "Constitutions and Commitment: The Evolution of Institutions Governing Public Western European Democracies", *Journal of Politics*, 55 (4).
8. Cusack, Thomas R. (1999), "The Shaping of Popular Satisfaction with Government and Regime Performance in Germany", *British Journal of Political Science* 29 (1).
9. Easton, David (1965), *A Systems Analysis of Political Life*", NewYork, John Wiley & Sons.
10. Easton, David, (1975), "A Re-Assessment of the Concept of Political Support", *British Journal of Political Science* 5 (4).
11. Espinal, Rosario, Jonathan Hartlyn and Jana Morgan Kelly, (2006), "Performance Still Matters. Explaining Trust in Government in the Dominican Republic", *Comparative Political Studies*, 39 (2).
12. Fukuyama, F. (1995), *Trust: The Social Virtuous and the Creation of Prosperity*, New York: The Free Press.
13. Gamson, W. (1968), *Power and Discontent*, Homewood: Dorsey Press.
14. Gordon, M. T (2000), Public Trust in Government; The USA Media as an Agent Accountability, *International Review of Administrative Sciences*, 4(3).
15. Hetherington, Marc J. (1998) "The Political Relevance of Political Trust" *American Political Science Review* 92.

- Choice in Seventeenth-Century England", *Journal of Economic History* 49 (4).
24. Nyhan, R.C. (2000), "Changing the Paradigm: trust and Its Role in Public Sector Organizations", *American Review of Public Administration*, Vol. 30 No. 1.
25. Nyhan, R.C. and Marlowe, H.A. (1997), "Development and Psychometric Properties of the Organizational Trust Inventory", *Evaluation Review*, Vol. 21 No. 5.
26. Offe, Claus, (1999), "How Can We Trust Our Fellow Citizens?" In *Democracy and Trust*, edited by M. Warren. Cambridge: Cambridge University Press.
27. Rooter. J.B. (1967). "A New Scale for the Measurement of Interpersonal Trust", *Journal of Personality* 35.
28. Sabine T. Koeszegi (2004),"Trust-Building Strategies in Inter-Organizational Negotiations", *Journal of Managerial Psychology*, Vol .19 No.6.
29. Stokes, Donald, E. (1962), "Popular Evaluations of Government: An Empirical Assessment". In *Ethics and Business: Scientific, Academic, Religious, Political and Military*, edited by H. Cleveland and H. D. Laswell. New York: Harper & Brothers
30. Tyler, Tom R., and Yuen I. Huo (2002), *Trust in the Law. Encouraging Public Cooperation with the Police and Courts*, New York: Russell Sage Foundation